

به همه احزاب و سازمانهای برادر و مترقی و شخصیت‌های سیاسی و علمی و فرهنگی که از حزب توده ایران حمایت کرده‌اند

صفحه ۷

بیانیه کمیته برون مرزی حزب توده ایران اعلام جرم علیه قانون شکنی

مردم آزاد بخواب ایران!

انسانهای شرافتمند سراسر جهان!

در جمهوری اسلامی ایران جنسایت هیولناکی در حال تکوین است. دستهای ناپاکی که قصد خفه کردن انقلاب ضد امپریالیستی و مزد می میهن ما را دارند، با قانون شکنی جدید تدارک یک قتل عام عمومی را از تمام دگرنانندیشان، از تمام آزاد یخواهان و از مردم زحمتکش می بینند، که بی چون و چرا و بنده وار تسلیم آنها نشوند.

دادستان کل انقلاب در خاکسبت جمهوری اسلامی ایران، طبق اطلاعاتی از تمام اعضا و هواداران حزب توده ایران خواسته است، که تا تاریخ معینی خود را به محاکم اسلامی معرفی کنند در غیر اینصورت آنها را که خود را معرفی نکنند بعنوان " محارب " شناخته می شوند که در قاموس این قانون شکنان جزایشان اعدام است. طبق موازین " اسلامی " موضوعه از طرف این قانون شکنان حتی برگزاری یک دادگاه ظاهری هم برای صدور حکم اعدام در مورد یک " محارب " ضروری نیست!

بقیه در صفحه ۳

راه توده

شهره‌داران حزب توده ایران در طرح از کشور

جمعه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۶۱ مطابق ۵ شعبان ۱۴۰۳ و ۲۰ آبان ۱۳۸۳
سال اول شماره ۴۳
پست: ۴۰۰۰۰۰۰۰

آیا حاکمیت در جمهوری اسلامی ایران "یکدست" شده است؟

اینجا کشاند هاند، که از " جرم " جدیدی در قاموس " اسلامی " خود صحبت می کنند. آنها برای تودهای ما این " جرم " را نیز شناخته اند، که جسارت داشته اند اعلام بکنند که حاکمیت در جمهوری اسلامی ایران از " دو خط " تشکیل شده بود. آنها برای این " جرم " باند بشیدن و فکر کردن و ارزیابی کردن، جزای اعدام را اعلام می کنند!

بقیه در صفحه ۱۴

این روزها تمام جناح ها و عناصر در حاکمیت جمهوری اسلامی از این صحبت می کنند، که در بین آنها " وحدت کلمه " برقرار است و هیچ نوع اختلاف ماهوی بین آنها دیده نمی شود.

همه " مسلمانند و برادر و دگر کسی وجود ندارد که " بنده دست دهقانان را سند مالکیت " بداند و مورد مخالفت آنها قرار گیرد، که سند را " مالکیت شرعی " می دانند.

راستگرایان حاکم در حاکمیت حتی کار را به

زنده باد سیاست علمی، انقلابی و اصولی حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران

انقلاب ضد امپریالیستی (ملی) و مردمی (دمکراتیک) میهن ما پاسخی ضروری بود، به تضاد خلق با امپریالیسم و با رژیم ضد مردمی سلطنتی. این انقلاب عظیم و شکوهمند در ساختار و قانونمندی عمومی خود در انطباق کامل بود با تمام انقلابات ضد امپریالیستی و آزاد بخش دوران میهنی دوران گذار از سرما - یزداری به سوسیالیسم.

ویژگی " ایرانی " انقلاب در آن بود، که تحت رهبری دمکرات های انقلابی ای قرار داشت، که از مذهب اسلام درک ضد امپریالیستی و مردمی را ارائه کردند.

خواستهای انقلاب، که در شعارهای آن تبلور یافته است، یعنی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، خواسته های هستند که زحمتکشان میهن ما، که همه میهن دوستان انقلابی، در یک نبرد نابرابر با رژیم سلطنتی - ساواکی شاه یافتند و آن را با جانفشانی و رشته های تن خود تنیدند و با خون خود بر پرچم انقلاب نوشتند. این بقیه در صفحه ۲

محافل بین المللی و افکار عمومی جهانی نمایش شوم علیه حزب توده ایران را محکوم می کنند

سایر مبارزین ضد فاشیست از تاریخ سیزدهم تا پانزدهم ماه مه در هامبورگ برگزار کردید. در این کنفرانس سرشناس ترین چهره های جنبه مقاومت در برابر فاشیسم شرکت داشتند: قطعنا - مهانی در رابطه با دستگیری و شکنجه رهبران و اعضا " حزب توده " ایران بتصویب رسید. به علت اهمیت مطلب " راه توده " اقدام بدرج متن کامل قطعنامه می نماید.

بقیه در صفحه ۷

کنگره سراسری سازمان ضد فاشیستی آلمان فدرال:
جان میهن پرستان ایرانی را نجات دهیم!

کنگره سراسری سازمان ضد فاشیست با شرکت بیش از هزار نفر از نمایندگان سازمانها و احزاب دمکراتیک داخلی و احزاب برادر و

کارگران، دهقانان، جوانان و روشنفکران انقلابی برای دفاع از دستاوردهای انقلاب به صفوف حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران بیونید!

زنده باد سیاست علمی، انقلابی و اصولی حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران

بقیه از صفحه ۱
خواستار با جان زحمتکشان و روشنفکران انقلابی عجین شده و گره خورده است. این جهت نیست، که ضد انقلاب و امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا قادر نشد و نخواهد شد، که زحمتکشان را از اهداف انقلابی دور کند. قادر نخواهد شد پرچم خونین انقلاب را از دست خلق انقلابی بدزدد.

شرکت وسیعترین اقشار مردم میهن ما، از زحمتکشان شهر و ده گرفته تا اقشار بینابینی و متزلزل در انقلاب ضد امپریالیستی و ضد سلطنتی، نشانه‌های بود، از عمق زلزله اجتماعی‌ای که قریب به ۵ سال پیش، میهن ما را فرا گرفت.

شرکت فعال حزب توده، ایران، حزب طبقه کارگر ایران در این انقلاب، و پهنبانی قاطع و پیگیر آن از اهداف ضد امپریالیستی و مردمی آن، وظیفه تاریخی‌ای بود، که حزب ما با سرزندگی به آن عمل کرد. از این طریق اعتبار و حیثیت حزب در بین مردم بالا رفت و نفوذ سیاسی حزب در میان زحمتکشان شهر و روستا چشمگیرتر شد.

گذشت حرکت کنید. این وحشت بچا است!

حزب ما، حزب طبقه کارگر ایران، در عمل انقلابی خود نشان داده است، که پیگیرترین، قاطع‌ترین و استوارترین مدافع منافع طبقه کارگر، دهقان بی‌زمین و کم‌زمین، اقشار میانه زحمتکش، روشنفکران، زنان و جوانان انقلابی است! حزب ما پیگیرانه و قاطعانه پرچم خونین انقلاب را بردوش کشیده است و استوار به این وظیفه خود عمل خواهد کرد.

ما پرچم خونین را بر زمین نخواهیم گذاشت!

ما با تحلیل روشن و علمی از محنت و جهت انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن، دفاع از آن و اهداف و دستاوردهای آنرا به برنامه عمل انقلابی خود تبدیل کردیم و هیچ غامبی ما را از این عمل انقلابی باز نخواهد گرداند.

تغییر تناسب قوا به نفع نیروهای ضد انقلابی و راستگرا در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، که در ایجاد آن مداخلات و عقب‌نشینی بی‌برنامه و بی‌هدفی، که رهبری انقلاب را در دست داشتند، در کنار توطئه‌های امپریالیستی و ترسور شخصیت‌های قاطع و ضد امپریالیست و همچنین شانتاژ ضد کمونیستی اعمال شده توسط ضد انقلاب، نقش عمده‌ای ایفا کرد، علت بحران شکست‌آفرین برای انقلاب است.

این بحران شکست‌آفرین دلیل نادرستی سیاست حزب توده ایران در دفاع از دستاوردهای انقلاب و حاملین آن زمان این دستاوردها نیست!

بحرانی که انقلاب را به سراشیب شکست کشانده است، ولی هنوز بعزت وجود توان انقلابی خلق به پیروزی کامل ضد انقلاب بر انقلاب منجر نشده است، نه به علت نادرستی سیاست حزب توده، افسران در دفاع از مسلمانان مبارز، بلکه بعزت این تغییر تناسب قوا به نفع ضد انقلاب در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران است.

این تجربه تلخ می‌آموزد، که برای پیروزی انقلاب داشتن خط درست سیاسی و حفظ تحکیم تناسب قوا به نفع انقلاب هر دو به عنوان دو عامل لازم و ملزوم یکدیگر، به عنوان دو روی یک مدال برای حفظ انقلاب و دستاوردهای آن، در فسخ توطئه‌های براندازی ضد انقلاب، لازم اند!

جبهه متحد خلق تنها راه نجات انقلاب

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران با درود آتشین به میهن‌داران انقلابی، به همه زحمتکشان شهر و ده، به همه روشنفکران و جوانان انقلابی، یکبار دیگر استواری خود را در دفاع از دستاوردهای انقلاب اعلام می‌کند. نبرد انقلابی با شدت ادامه دارد. نبرد انقلابی به مرحله جدیدی از تعمیق خود رسیده است. ما پیشنهاد حزب خود را برای تشکیل جبهه متحد خلق با تمام نیروهای ضد امپریالیست و انقلابی و خواهان ترقی و شکوفایی میهن عزیزمان ایران و تأمین عدالت اجتماعی برای زحمتکشان، تکرار می‌کنیم و دست دوستی بسوی آنان دراز می‌کنیم!

باشد تا با استواری و قاطعیت انقلابی و متحداً خطر سهمگین پیروزی ضد انقلاب و راستگرایان را بر انقلاب بر طرف سازیم!

مسلمانانی که نقش رهبری انقلاب را بعهده گرفته بودند قادر نشدند با یافتن متحدان طبیعی و واقعی در مقاطع مختلف رشد انقلاب، تناسب قوا به نفع انقلاب و تعمیق آن را در حاکمیت جمهوری اسلامی ایجاد، تحکیم و حفظ کنند. آنها مسئولیت روشن تفوق قوای ضد انقلاب و راستگرایان را در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران به دوش می‌کشند و به خلق و تاریخ پاسخگو هستند!



پیکری حزب ما برای تحقق اهداف انقلاب و تأمین عدالت اجتماعی به نفع زحمتکشان به وسیله عمده‌ای تبدیل شد برای باز یافتن و باز شناختن حزب به عنوان استوارترین نیروی مدافع منافع طبقه کارگر و دهقان بی‌زمین و کم‌زمین و روشنفکران و جوانان انقلابی. توسط این طبقات و اقشار، یکی از علل عمده‌ای که ضد انقلاب و راستگرایان را بر آن داشت، که علیه حزب ما به توطئه خائنانه و اوباشگرانه فعلی دست بزنند، در همین بالا رفتن اعتبار و حیثیت و نفوذ حزب ما بود. همچنین عمده‌ترین علتی که باعث شده تا نیروهای مسلمانی که نقش قاطع ضد امپریالیستی ایفا کردند و پیرای تأمین عدالت اجتماعی و ده داده بودند، به یورش به حزب ما تن بدهند، نیز در همین بالا رفتن نفوذ حزب ما در بین زحمتکشان شهر و روستا، در بین طبقه کارگر است. این نیروها که حزب توده، ایران را ریب خود می‌بینند، می‌کوشند با شیوه‌های ضد انقلابی و کهنه، نابودش کنند، تا ضعف و عدم پیگیری خود را در تحقق اهداف خود به خلق مستور سازند. اکنون که این نیروها پرچم انقلاب را، که بر روی آن خواستهای توده‌های ملیونی زحمتکش میهن ما برای تأمین آزادی و عدالت اجتماعی، ثبت شده است، بر زمین گذاشته‌اند، از این وحشت دارند، که زحمتکشان دیگر نه به پیروی از آنها، بلکه به پیروی از حزب ما، که این پرچم را بر زمین نگذاشته است و نخواهد

درود بر کمیته مرکزی حزب توده ایران

غوغای تبلیغاتی ضد شوروی و ضد کمونیستی در ایران

بیانات استاد انور علی اف دانشمند شوروی

سی از جمهوری اسلامی خمینی، مخصوصاً از طرف اتحاد شوروی به تضعیف مواضع سیاست خارجی رژیم خمینی منجر خواهد شد. این است علت اصلی شوروی ستیزی، انتشار مهملات، اراجیف و دروغ‌های شاخدار علیه اتحاد شوروی، کشور دوست و همسایه نیکخواه ایران.

مرتجعین از دورنمای همکاری متساوی - الحقوق با سواد مشترک بین ایران و اتحاد شوروی وحشت دارند و میکوشند هر چه زود تر ایران را به ورطه سیاست دوستی و همکاری بسازند. امپریالیسم، سیاستی که در زمان رژیم شاه تحقیر میشد، بکشاند. کیست که باور کند که گویا اتحاد شوروی به جاسوسی رهبران حزب توده ایران احتیاج داشت؟ جاسوسی در باره چه؟ راجع به کارخانجات عظیم اتمی و هسته‌ای ایران؟ در باره سلاح‌های خارق‌العاده جدید ساخت ایران که در دنیا نظیر ندارد؟ در باره نقشه‌های پیروزی آور استراتژی جهانی ایران؟ مردم انتشار دهندگان این هیولان و اراجیف را ریشخند میکنند و هیچ کس به این دروغ‌ها باور نمی‌کند، مگر آنهایی که بدستور خودشان این مهملات انتشار می‌یابد. خائنین به انقلاب با مردمی و ضد امپریالیستی ایران برای سلب اعتبار و بدنام کردن حزب توده، ایران، اتحاد شوروی، کشورهای سوسیالیستی، نهضت‌های آزادی طلب، رجال برجسته ضد امپریالیسم و خلاصه آنچه که با منافع شوم ارتجاع و امپریالیسم مطابقت ندارد، از چیزی ابا ندارند و فرو گذار نمی‌کنند. چه خوب گفته شاعر نامی ایران افراشته:

یک رشته اراجیف و باطیل زرنشده

یک سلسله لاطائلل سموم کننده

می‌شعری و میگویی و می‌چاپی و انگار در نیمه دی ماه یخی آمده بازار

پس مرتجعین و عمال امپریالیسم باید بدانند که ملحق شدن آنها به جنگ صلیبی ریگان بر ضد کمونیسم، تبلیغات ضد شوروی آنها، دسایس و دروغ پردازی آنها نتیجه‌ای نخواهد بخشید. اینها همه تف‌سریالائی است. مردم شوروی دوست وفادار خلق‌های ایران بوده، هستند و خواهند بود. مردم شوروی مایلند کشور ایران را پر رونق و مستقل و مردم ایران را سعادتمند، آزاد و غنی ببینند. سیاست لنینی کشور ما بلا تغییر است. اتحاد شوروی از اصول لنینی احترام حق حاکمیت و استقلال تمام کشورهای خودمداخله در امر داخلی آنان و تحکیم روابط دوستی و همکاری غیر بخش با تمام ممالک و مخصوصاً با کشورهای همسایه، پیروی مینماید. و هیچ نیروی وجود ندارد که قادر باشد خلق‌های کشور ما را علیه یکدیگر تحریک کند. دوستی ملل اتحاد شوروی و ایران پابرجا و خلل ناپذیر است.

است، چرا باید مورد تعقیب و تزییس قرار گیرد؟ بسیاری از احزاب کمونیستی در بیانیه سوم ماه مارس سال جاری خود بسیار صحیح گفته‌اند که تجربه تاریخی در کشورهای منطقه و خارج از آن، در دوران فعلی و در گذشته، می‌آموزد، که تهاجم به حقوق دموکراتیک و قانونی بی‌گیرترین مبارزان ضد امپریالیسم و ضد ارتجاع، آغاز شکست نهائی انقلاب است. این هشدار بسیار مهمی است. هدف ارتجاع روشن است. سلب اعتبار و بدنام کردن حزب توده، ایران، سازمانی که بی‌باکانه از روی دسایس آن پرده در می‌گیرد و مردم را از توطئه‌های امپریالیسم و عمال آن آگساز می‌ساخت و در هر قدم از منافع و مصالح مردم زحمتکش دفاع مینماید. در عین حال برای باز کردن راه ورود و برقراری تسلط مجدد امپریالیسم، ارتجاع و عمال آن قصد دارند مردم ایران را فریب داده و بر مناسبات ایران و اتحاد شوروی ضربه وارد آورند. و این هدف دوم توطئه امپریالیستی در این روزهاست. این نقشه طبق همان دستورات کدائی برژینسکی، معاون امنیتی رئیس جمهور آمریکا صورت میگردد که گفته بود: رئیس جمهور همچنین دستور داده است که باید از جو سوء ظن و عدم اعتمادی که در بین ایران و همسایگانش وجود دارد، استفاده کرده رئیس جمهور یقین دارد که قطع پشتیبانی سیا -

اکنون امپریالیسم و متعین ایرانی آن در صدد برآید تا دست آورد های انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی خلق قهرمان ایران را از بین برده رژیم ظلم و ستم سرمایه‌داری و بزرگ مالکی را به زحمتکشان تحمیل نمایند و روابط خود را با کشورهای غارتگر و ستم پیشه امپریالیستی دوباره برقرار سازند. قوای ارتجاعی ایران تنها بوسیله از بین بردن حزب توده، ایران، این بی‌گیرترین مبارز راه آزادی و استقلال و نجات ایران از ستم امپریالیستی و استثمار سرمایه‌داران و بزرگ مالکان، میتوانند به این مقصد شوم خود برسند.

تبلیغات ضد کمونیستی، بعنوان مقدمه روی کار آمدن ارتجاع و فاشیسم در تاریخ سابقه طولانی دارد. مگر فاشیست‌های هیطری قبل از استقرار رژیم خود رایشستاگ را آتش نزدند و بگردن کمونیست‌های آلمان و دوستانشان نینداختند؟ مگر در خود ایران جنایاتی را که رژیم شاه و بعد از انقلاب ایادی آنها مرتکب می‌شدند، بگردن حزب توده، ایران نمی‌انداختند؟ در جهان ثابت شده که نتیجه سیاست ضد کمونیستی در هر کشوری، مقدمه برقراری رژیم فاشیستی و ارتجاعی است. و گرنه حزبی که از اولین روز انقلاب از خط مردمی و ضد امپریالیستی آیت‌الله خمینی پشتیبانی کرده و در راه اجرای قانون اساسی مبارزه نموده

بیانیه کمیته برون مرزی حزب توده ایران

بقیه از صفحه ۱

شوند تدارک قتل عام تمام این انسانهای زحمتکش را تحت عنوان هوادار حزب توده، ایران می‌بینند! آنها می‌خواهند آن انسانهای "درجه دوم" را که خود را بعنوان هوادار حزب توده، ایران به مقامات مربوطه معرفی کنند، در زندانی بزرگ، در مقیاس ایران به اسارت بگیرند! از حق کار، حق تحصیل، حق مسافرت، حق شرکت در تعیین سرنوشت خود و میهنشان محروم سازند! و هر روز که "سیاست بربرمنشانه" آنها اقتضا کرد بعنوان "محارب" به جوخه آتش بپارند! مردم آزاد یخواه ایران! مردم شرافتمند در سراسر جهان! جنایت هولناک در شرف تکمیل را افشا کنید!

دست خوین ضد انقلاب پنهان را از فرود آمدن بسازدارید!

دفاع از زندانیان توده‌ای و دفاع از حزب توده ایران، دفاع از انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران است!

کمیته برون مرزی حزب توده ایران

۲۰ اردیبهشت ۶۲

مردم آزاد یخواه جهان! این قانون شکنی که با نقض اصول متعدد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (از جمله اصول ۲۲، ۲۳، ۲۶، ۳۲، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹) در شرف تکمیل است در آن محدودیت آزادی‌های دموکراتیک، نقض عقاید و خفقان را در میهن ما اوج بیسابقه‌ای خواهد داد. انسانهای شریف جهان! هدف نیروهای ضد انقلاب و مدافع کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی، که مواضع خود را در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران هر روز تحکیم بیشتری می‌بخشند، آن است که یک رژیم بربرمنشانه فاشیستی در ایران حاکم کنند، که در آن همانند جمهوری آفریقای جنوبی، انسانها به درجه یک و درجه دو تقسیم شوند. انسانهای درجه دوم آنها هستند، که بنحوی نسبت به قانون شکنی و بی‌عدالتی اعتراض کنند، کار بخوابند، کلمه‌ای در باره حقوق خود بر زبان آورند و به عبارت دیگر آن چیزی را طلب کنند که مردم انقلابی با خون خود بر روی پرچم انقلاب ضد امپریالیستی و ضد یکتاتوری نوشته بودند: استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی. عناصر ضد انقلابی و ضد مردمی، که هر روز بیشتر در حاکمیت جمهوری اسلامی مستقر می-

"اتحاد نامقدس" برای سرکوب حزب توده ایران

دهقانان کم زمین و بی زمین، حزب روشنفکران و جوانان انقلابی، حزب زنان و مردان میهن دوست، پرچم خونین انقلاب را، که بر روی آن اهداف خلق انقلابی - استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی - حک شده است، برافراشته نگه داشته است، به این نتیجه رسیدند، که باید به فکر چاره باشند.

چاره کار چه بود؟

این نبود که خود را از کنار پرتگاه به کنار بکشند و نجات دهند، آنها چاره کار را در آن دیدند، که خود را به سراشیب سقوط بیندازند چسرا؟ زیرا از تعمیق انقلاب به وحشت افتادند، زیرا دیدند، که باید خود را بطور کامل از اسلام آمریکائی جدا کنند. آنها نخواستند و نتوانستند به راه تعمیق انقلاب قدم بگذارند و حتی "ضرورت" اجرای قوانین "ثانویه" را با اکثریت آرای مجلس اجرا کنند، بلکه عقب شستند و به دوسوم آرا تن دادند و این آخرین تن دادن نبود و نمی توانست باشد. آنها تن دادن به زیر پا گذاشتن تمام تعهداتی که کرده بودند. در مورد حزب ما به سرکوب و حشیانه آن تن دادند، زیرا دیدند، حزبی که پرچم انقلاب را رها نمی کند، قادر خواهد بود در یک نبرد سیاسی و قانونی، رهبری خلق را بدست بگیرد و انقلاب را تعمیق بخشد. آنها که دیدند که خود با معاشات و عقب نشینی زمین را از زیر پای خود کشیدند و امکان حفظ رهبری انقلاب را نخواهند داشت، لذا چاره ای هم نداشتند، جز آن که "رقیب" خود را از صحنه خارج سازند. اما چون هیچ گونه دلیل قانونی برای سرکوب حزب ما نداشتند و نیافتند، چون پایبندی ما را به موازین قانونی، به قانون اساسی به اعلامیه ده ماده ای دادستانی دیدند، چون دفاع صادقانه حزب را از اهداف انقلاب می دیدند و می دیدند، که زحمتکشان هر روز بیشتر سیمای واقعی حزب خود را، که دشمنان سلطنتی و غیر سلطنتی آن، سه دهه بر رویش لجن مالیده بودند، باز می شناختند و با احترام عمیق به آن به دور آن تنگ و تنگتر جمع می شدند، چاره ای هم نداشتند تا از طریق غیر قانونی عمل بکنند و به کمک "اسناد" اینتلیجنت سرویس و "سیا" و به کمک "سیا" جبهه گان گنام و با نام به حزب ما یورش ببرند! اما از آنجا که این یورش را نمی توانستند از راه قانونی به پایان برسانند، یعنی با برگزاری یک دادگاه علنی و قانونی، "اسناد" خود را و "گزارش دهندگان" را بر ملا سازند، چاره ای هم ندیدند، جز آنکه با به کار گرفتن اسلوب شرعی "تجزیر"، که همان شکنجه آریامیری به اضافه اسلوب ظریف "لابراتوری" سیا و اینتلیجنت سرویس است، سقوط خود را در سراشیب جدا و دور شدن از اسلوب انقلابی، تسریع بکنند و به راهی بروند، که نه بر مرده، بلکه برزنده باید گریست!

باید نه فقط به ساز آنها برقصند، بلکه خوشرقصی نیز بکنند، تا بتوانند به مشروطیت و ششوب "آخرت" خود برسند! معاشاتگران نیز که امید خود را برای تحقق اهداف اولیه خود، امید خود را برای اجرای قانون اساسی ای، که خود تدوین و تنظیم کرده اند و انطباق آن را با "موازیین شرعی" مورد تأیید قرار داده اند، چاره ای جز این نیافتند که "اتحاد نامقدس" شرکت

کنند، و لکه ننگ قانون شکنی را بپوشانند. آنها وقتی دیدند که امکان آن را ندارند، که عهد های خود به زحمتکشان را، تحقق به بخشند به وحشت افتادند. آنها دیدند، که خلق از آنها حساب پس می خواهد! آنها دیدند، که دهقانان، که از زبانشان شنید هاند، که "زمین مال کسی است، که روی آن کار می کند، که" سند مالکیت پیمانه دست زحمتکشان است، آنها را مورد بازخواست قرار می دهند. آنها که می دانستند، که کارگران فراموش نمی کنند که حق تعیین سرنوشت و شرکت کارگران در شوراها و سند یکاها، حق قانونی و انقلابی است. آنها می دانستند که خلق انقلابی که علیه رژیم دیکتاتوری محمد رضا شاه جنگیده است، حکم خود را درباره خفقان "شرعی" هم می دهد و فراموش نمی کند که یک روزی معاشاتگران تعهد کرده بودند، که در جمهوری اسلامی ابراز عقیده آزاد باشند، که تفتیش عقاید ممنوع باشد، که تشکیل احزاب و سند یکاها حق مسلم دگراوند - یشان باشد. آری وقتی معاشاتگران به تعهدات خود اذیت بشیدند و امید برای آن که به این تعهدات عمل کنند نیافتند، به وحشت می افتند و به فکر یافتن راه چاره!

آنها، می توانستند راه چاره انقلابی را بیابند و با کمک گرفتن از توان انقلابی خلق، راه عمل به تعهدات خود در مقابل خلق را بساز کنند، ولی باین راه نرفتند. چون به این راه نرفتند و دیدند، که حزب توده، ایران، حزب طبقه کارگر ایران، حزب زحمتکشان روستا،

بین ضد انقلاب، راستگرایان، تسلیم طلبان و معاشاتگران یک اتحاد نامقدس ایجاد شده است، که هدف آن سرکوب حزب توده، ایران و محور فیزیکی آن است. بررسی خواست مشترک این نیروها در سرکوب حزب ما یکبار دیگر درس پروری را به همه نیروهای صادق می دهد. درس می دهد، که چرا نمی توان فرصت طلبانه به هر وسیله ای برای رسیدن به هدف تن داد و آنرا به کار برد.

علت و هدف ضد انقلاب و راستگرایان برای سرکوب جنبش توده ای، از بد و پیدایش حزب توده، ایران، حزب طبقه کارگر ایران تغییر نیافته است. آنها حزب ما را گورکن خود می دانستند و می دانند و تعجب آور نیست، که در تمام طول این ۱۴ سال از هیچ وسیله ای برای سرکوب حزب ما غافل نماندند. آنها بارها و بارها جشن گرفتند و دست بهم مالیدند و دلخوش کردند، که حزب توده، ایران را، حزب شهیدا، حزب پایدار و قهرمانی را، از بین بردند و هر بار از غضب برخوردار پیچیدند که مرده پنداشته، استوارتر و توانمندتر سر بلند کرد.

رجز خوانی های این بار آنها نیز از این قانون مستثنی نیست! در این تردیدی وجود ندارد!

"برزنده باید گریست!"

اما علت آن که تسلیم طلبان و به ویژه معاشاتگران با ضد انقلاب و راستگرایان در این "اتحاد نامقدس" شرکت می کنند، چیست؟ تسلیم طلبان، که کوچکترین امیدی برای تحقق اهداف اولیه خود ندارند و برای حفظ موقعیت و حتی جان خود به جبهه متحد ضد انقلاب و راستگرایان تسلیم شده اند، بدیهی است، که

حزب جمهوری اسلامی اولین کنگره خود را برگزار می کند!

را در قریب تنگنای هم آرام نمی گذارد، بطور قطع آن است، که این حزب اولین کنگره خود را زمانی برگزار می کند، که شرایط اجتماعی با شرایط کنگره "حزب رستاخیز" در تشابه کامل است و لذا نامی که مردم به این اولین کنگره داد هاند، افشاء کننده است:

"اولین کنگره حزب رستاخیزی جمهوری اسلامی" ما پس از دریافت اطلاعات بیشتر در ریاست مصیحات این کنگره، بازم در راه آن صحبت خواهیم کرد.

در واقع همه شرایط برای برگزاری اولین کنگره حزب جمهوری اسلامی آماده شده است! هم در درون حزب، که حاکمیت راستگرایان و حقیقتی نادان آن تحکیم شده است و هم در خارج مع ما، که در آن با قانون شکنی و نقض عملی اصل ۲۶ قانون اساسی یک وضع "تک حزبی" ایجاد شده است!

آنچه که به طور قطع برای بنیان ضد سرمایه داری و ضد فئودال این حزب سنگین است و آنها

نباید گذاشت اسرار این جنایت حیوانی و هولناک علیه زندانیان توده‌ای به خاک سپرده شود

تکنولوژی پزشکی "سیا" در خدمت جمهوری اسلامی ایران

پس از پخش سناریوی "اقراریر رهبران حزب توده" ایران، که به کارگردانی سیا، موسان و اینتلجنت سرویس و ساواک در خدمت جمهوری اسلامی، در "استودیو اوپن" تهیه دیده شده بود، مقالات متعددی به دست هیئت تحریریه راه توده رسید که هر یک افشا کننده شیوه‌های خاصی از شکنجه‌ها و شناساننده نوع خاصی از مواد شیمیایی مکمل شکنجه‌های جسمی و روانی است. "راه توده" جهت آشنا ساختن خوانندگان خود با شیوه‌های مختلف شکنجه و انواع و اقسام داروهای مبادرت به چاپ بعضی از این مقالات رسیده می‌کند. سازمانهای جهنمی "امنیتی"، "ارتقیل سیا"، "موساد" و غیره در اعمال شکنجه‌های گوناگون و کاربرد مواد شیمیایی روی انسانهای درینسد در آمریکا، آمریکا لاتین، خاور میانه و آفریقا پند طولانی دارند.

برگ برگ تاریخ سیاه این سازمانها شاهد این بدعاست.

سازمان جاسوسی "سیا" در کنار اختراع وسایل مدرن شکنجه‌های جسمی و روانی، بسیاری دست یافتن به داروهای جدید و جدید تر در تلاش تب آلودی است. و در این راه از صرف میلیونها دلار جهت ایجاد آزمایشگاه‌ها و لابراتوارهای مجهز و مدرن و تشکیل هیئت‌های پژوهشی و تحقیقی کوتاهی نمی‌کند.

اکنون سیاه‌چالهای زندان‌های شاه ساخته جمهوری اسلامی به آزمایشگاه داروهای جدید "سیا" بدل شده و قربانیان خود را از میان راد بردان توده‌های برگزیده است.

اینکه جلادان اوپن به کدام شیوه دست یازیده و از کدام داروها بهره جستند، فقط برای خود این جلادان معلم است! ولی آنچه که برای ما معلم است این است که نباید گذاشت اسرار این جنایت حیوانی و هولناک از انظار پنهان مانده، در مغاک فرابزمینی افکند.

لازمه افشای این اسرار، اعزام هیئتی ناظر، بی طرف و بین المللی مرکب از حقوقدانان و پزشکان متخصص در امر شکنجه‌های جسمی و روانی به ایران و دیدار آنان با زندانیان توده‌ایست. تنها بدین طریق است که نحوه شکنجه‌ها، نوع داروها و در نهایت اسرار این جنایت با تمام ابعادش کشف خواهد شد.

ولی آیا مقامات جمهوری اسلامی حسابشان آنقدر پاک است که باکی از رورد چنین هیئت‌هایی و باز دید آنان از زندانیان، نداشته باشند؟ اگر چنین است و مقامات جمهوری به صحت "اعترافات" اعتقاد دارند و آن را ناشی از "هدایت" متهمین و نه چیز دیگر - می‌دانند، باید ویدون هراس و دلهره، اجازه دهند که یک هیئت ناظر و بی طرف بین المللی

مشکل از حقوقدانان و پزشکان متخصص و روزنامه نگاران، وازد ایران شده، از نزدیک با زندانیان دیدار کرده و نحوه دریافت "اعترافات" را به مردم ایران و جهان روشن کنند.

پزشک روانکا و الجزایری دکتر خیرالدین مصطفی که خود طعم حبس و تبعید و شکنجه را چشیده است، پس از ملاحظه صحنه‌های "اعترافات" تجربیات و مطالعات خود را در اختیار ما گذاشت. دکتر خیرالدین در مورد این سؤال که چگونه جلادان توانسته‌اند این مبارزان قدیمی و آبدیده، کارگری را که هر یک سخت ترین امتحانات را تحمل شده و از تعهدات خود دست برنداشته‌اند، به چنین اظهاراتی وادارند، گفت:

"با ترکیب چند شیوه شکنجه جسمی، روانی و شیمیایی (دارویی) می‌توانند شخصیت افراد تحت شکنجه را کاملاً خرد کنند و آنان را به کالبد هائمی تبدیل کنند که مطالب تلقین شده را تکرار نمایند و به عبارتی آنان را مسخ کنند. شکنجه‌های وحشیانه جسمی که همه از ساواک شاه به ارث برده شده برای تضعیف جسمانی افراد بکار می‌رود تا شکنجه‌های روانی و شیمیایی، موثر واقع شود. مهم ترین شیوه شکنج روانی، "انزوای محض" است؛ یعنی محبوس ساختن انقلابیونی که تحت شکنجه‌های شدید جسمی از پای درآمدند در اتاقی که نور و صدا اصلاً به آن راه ندارد، و دیوارهای آن کاملاً سیاه می‌باشد. ضمناً انتقال بیرون زندانی به هیچ گونه اطلاعاتی از خارج دسترسی ندارند. در نتیجه جلادان می‌توانند آنها را از نظر اطلاعاتی و حسی کاملاً منزوی سازند تا پس از گذشت چند ماه آنان را دچار اختلالات عصبی و روانی سازند.

سو استفاده از مواد مخدر و مواد شیمیایی و دارویی چون L.S.D، هروئین و آم فتامین Amphetamin بخصوص از نوع ایمائو I.M.A.O. افرادی را که تحت شکنجه از پای درآمدند دچار حالت فوق العاده منقلب و اضطراب بی حد می‌سازد. با ترکیب موادی چون تافرامیل Taphramyl که عکس العمل معکوس مواد شیمیایی فوق الذکر را در قفسه ایجاد می‌کند، حالتی در این افراد بوجود می‌آورد که احساس گناه کنند و دائماً به خود اتهامات نامربوط بزنند!

دکتر خیرالدین در پایان اضافه می‌کند: "بدین ترتیب این امکان حاصل می‌شود که از طریق تلقین، این مبارزان را که تحت تأثیر شکنجه‌های جسمی، روانی و دارویی دچار اختلالات عصبی و روانی شده‌اند مسخ کنند و

"اقراریری" از آنان کسب کنند. ضمناً دستگاه‌های جاسوسی امپریالیستی چگونگی "سیا"، "موساد" و "ساواک" روز بروز شیوه‌های تلقین روانی جدیدتری برای سرکوب انقلابیون مردمی و ضد امپریالیست کشف می‌کنند و به اجرا می‌گذارند.

یک گزارش دیگر درباره نحوه تأثیر داروهای نوروپلئیک، که در شکنجه‌های "مقامات امنیتی" "سیا" و "ساواک" به کار برده شده است.

این گزارش را یک پزشک متخصص "راه توده" ارسال کرده است:

اینک با توجه به اطلاعات همه جانبه موجود، نتیجه تحقیقات خود را درباره شکنجه روانی زندانیان توده‌ای و به آذین در اختیار شما می‌گذارم. بگذار دنیا از عمق فاجعه‌های گه انقلاب ما و روشنفکران طراز اول ما را تهدید می‌کند، واقف گردد.

این شکنجه، روشی است بر پایه رفلکسی شرطی یا لوف و پدیده هیپنوز (Hypnose) زندانی را روزه در سلولی بی منفذ بدن کو - چکترین محرك (Stimulus) خارجی چون نور و صدا نگاه میدارند. بعد از چند روز، زندانی به حالت تیرگی شعور (Mentale Confusion) می‌افتد. سپس در داروهای نرولپتیک (Neuroleptique) یا یکی از مشتقات (Benzodiazepine) با دوا تزریق می‌کنند هشیاری زندانی (Vigilence) را به کمترین سطح ممکن میرسانند. سپس در ساعات‌های مشخص زندانی را بیدار می‌کنند و جملاتی را که میخواهند تکرار شود با و دیکته می‌کنند. بعد از مدتی مقاومت زندانی از شدت خستگی و میل شدید به خواب حرفها را تکرار می‌کند تا بتواند بعداً اجازه خوابیدن داشته باشد. زندانی در هنگام تکرار اراجیف دیکته شده کاملاً آگاهی خود را نسبت آنچه می‌گوید از دست میدهد فقط بعداً بعضی از قسمتهای آنرا (در صورت خاتمه شکنجه) به صورت بریده به خاطر می‌آورد.

شکنجهگر از شکنجه فیزیکی نیز به عنوان عامل مکمل استفاده می‌کند. در جریان این "آزمایش" زندانی لافر میشود، چهره‌اش کرخت و سرگشته بنظر می‌آید، نگاهش بی‌فروغ و میبهوت میگردد. جملاتش ابتدا بریده بریده است که این را نیز می‌توان بعد از "تمرین" های زیاد کم و بیش اصلاح کرد.

گفته میشود که این متد را اربابان زنگرال فرد و بست در آمریکا زوی بعضی از زندانیان بقیه در صفحه ۱۵

روزنامه مورنینگ استاز رهبران ایران به سرکوب روی می آورند

سابق شاه، ساواک، مسئول برای مقابله با حزب توده، ایران و نیروهای چپ در زمان شاه، دست نخورده باقی ماند و بوسیله راستگرایان در جمهوری اسلامی مورد استفاده قرار گرفت.

با استفاده از اطلاعات گروه‌های ضدانقلابی در ایالات متحده آمریکا و بریتانیا، این نیروها ماه‌های آخر سال ۱۹۸۲ را صرف تدارک پرونده سازی برای حزب توده ایران، و رهبران آن کردند. این موضوع برای مردم ایران یک فاجعه و مصیبت است هر چند ابعاد وسیعتری

رهبران آن اکنون متوقف شده است. این رهبری اسلامی بخاطر گوش فرا دادن به سرمایه‌داران و تجار، از روی آوری به توده‌های زحمتکش عاجز ماند.

تقریباً جمعی، بیگاری و جنگ با عراق تماماً بخشی از فشارهایی بودند که سیر انقلابی را در جهت محکوم سوق دادند. اکنون روشن گردیده است که راستگرایان در واداشتن مقامات در مجموع به این باور، که اگر حزب توده ایران برای فعالیت آزاد گذارده می-

بقلم نیل دان مسئول کمیته ایالتی حزب کمونیست بریتانیا در لندن.

سی سال از چهل و دو سال هستی حزب توده ایران در مبارزه برای استقلال ملی و سوسیالیسم در ایران، غیر قانونی سپری گشته و رهبران و اعضا آن تحت پیگرد، بید ماند.

اکنون باردیگر این حزب را غیر قانونی کرده‌اند. رهبران آن دستگیر شده و پسندون محاکمه سه ماه است در زیر شکنجه در زندان های منفرد زجر می‌کشند.

مقامات ایرانی اکنون ادعا می‌کنند که از دهان رهبران حزب توده، این "اقتاری" مبنی بر ارتکاب به جاسوسی و توطئه، بیرون کشید هاند.

رهبری اسلامی ایران هم اکنون در موقعیت حساسی قرار دارد. این رهبری که برای سرنگونی شاه و طرفدارانش توانست پیشاهنگ بسیج همه مردم باشد، اینک باید فلسفه و سیاست خود را به آزمون گذارد؛ آیا این فلسفه و سیاست منافع مردم را به پیش خواهد برد، یا معنی آن عقب نشینی در برابر تضادها و فشارهای شدید درون جامعه ایران خواهد بود؟

در داخل ایران قوانین جدید دمکراتیک و موثری منجمه رفم ارضی، مبارزه علیه مالکین بزرگ زمین، که از درون انقلاب ایران فوران کرد، به اجرا در نیامده‌اند. کنترل دولت بر بازارگانی خارجی حاصل نشده است. انتقال سرمایه از ایران همراه با باز پس دادن زمین های مصادو شده بعد از انقلاب به صاحبان قبلی آن ادامه دارد.

دولت جمهوری اسلامی قرارداد های اقتصادی و نظامی با پاکستان امضا کرده است. این دولت در کار گسترش معاملات خود با ترکیه در سطحی بسیار بالاتر از زمان شاه می‌باشد.

جنگ تلخ و خونین که بدنیال هجوم عراق در سال ۱۹۸۰ آغاز شد با از دست رفتن جان هزاران کارگر و دهقان از هر دو طرف، و بدون جستجویی به جا برای یک راه برون رفت صلح-آمیز و شرافتمندانه ادامه دارد.

برای ایالات متحده آمریکا دوباره واداشتن ایران در یک موضع آشکار ضد شوروی جایز نیست. کلانی است.

براندازی شاه، برای امپریالیست ها یک ضربه جدی بود، اما سرمایه‌داران و تجار هرگز امتیازات و منافع خود را به آسانی از دست نمی‌دهند. در واقع آنها برای به عقب راندن نیروهای مردمی سوسیالیستی درون ایران، بنهر طریق به مبارزه برخاستند.

انقلاب ایران، بعد از یک مبارزه تلخ جهت رشد جامعه و اقتصاد، بخاطر فقدان درونگری



نیز دارد. دستگاه دولتی رگان در یک تلاش عظیم با ابعاد جهانی برای منزوی کردن کشورهای سوسیالیستی و شکست دادن جنبش صلح - که جهان را فرا گرفته است، می‌باشد. نتیجتاً ما شاهد اخراج بی‌یلمات های شوروی در سوئیس، فرانسه، بریتانیا، ایالات متحده آمریکا و اکنون طی هفته گذشته در ایران بودیم.

طی هفت ماه گذشته ما مواجه با دخالت های عمده ایالات متحده آمریکا در خاور نزدیک در اطراف لبنان بودیم؛ این دخالت ها بدون شك در مناطق دیگری نیز که آمریکا خواهان اعمال نفوذ خود می‌باشد، پیوسته می‌پیوندد. بی‌شک ساختن عمده در خاور نزدیک، به ویژه در زمانیکه جمهوری اسلامی ایران در عمل در حال نزدیک و نزدیکتر شدن به مواضع امپریالیسم غرب قرار دارد، بوجود آمده است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران ضمن اعتراض همواره بی‌گناهی کامل رهبران، اعضا و همواران خود را در مقابل اتهامات بقیه در صفحه ۱۶

شده، قادر می‌بود تا توده مردم را - یعنی همان نیرویی که در درجه اول، انقلاب را میسر ساخت - بسیج کند، موفقیت بدست آورد هاند. آنها سیاست سرکوبگرانه شاه در مورد این حزب را، به جای مبارزه با رشد سرمایه‌داری در جامعه ایران، انتخاب کردند.

در تمام طول این مدت، سرویس های بی.بی.سی و صدای آمریکا در تلاش برای لوث کردن حزب توده ایران سعی وافر می‌ذود داشتند. خبرگزاری های غربی به ویژه از پناهندگی یک جاسوس انگلیسی بنام ولادیمیر کورچیکین که در کسولگری شوروی در تهران کار می‌کرد، بسیار به خود می‌بالیدند. این جاسوس انگلیسی مدعی شد که حزب توده ایران برای اتحاد شوروی جاسوسی می‌کرد و وزارت خارجه انگلیس و ام.آی.سیکس (بخشی از اینتلیجنت سرویس) با اشتیاق فراوان این موضوع را به راستگرایان مسئول در پلیس واداره زندان در جمهوری اسلامی اطلاع دادند.

در خود ایران مشاور اصلی امنیتی شاه، ژنرال فرد وست، در میان مقامات اسلامی جدید سرد آورد. بخش شکنجه گران پلیس مخفی

محافل بین المللی و افکار عمومی جهانی نمایش شوم علیه حزب توده ایران را محکوم می کنند

بقیه از صفحه ۱۰

"میهن پرستان ایرانی را نجات دهیم!" ما نمایندگان شرکت کننده در کنفرانس کسانی که از طرف دیکتاتوری فاشیستی در آلمان مورد پیگرد قرار داشته اند، بعنوان مبارزین جبهه مقاومت و علیه فاشیسم نو نگرانی شدید خود را در رابطه با اخباری که از ایران می رسد، ابراز می داریم. ما و فایح انقلاب مردمی ایران را که منجر به سقوط رژیم دیکتاتوری شاه گردید، با علاقه وافر دنبال کردیم - متأسفانه از چندی پیش با منظره شاهد جریاناتی هستیم که آشکارا به از دست رفتن دستاوردهای انقلاب منجر خواهد شد.

در حال حاضر ما شاهد پیگرد رهبران و اعضا حزب توده ایران و از جمله نورالدین کیانوری دبیر اول حزب توده ایران می باشیم. بسیاری از این مبارزین در دوران دیکتاتوری شاه به زندان افکنده شده و برخی از آنان حتی ۲۵ سال در زندان بسر بردند. و حال دوباره در همان ششجنازه ها زیر نظر مأمورین ساواک شاه زجر و عذاب می بینند. ما خواستار آزادی فوری کلیه اعضا دستگیر شده حزب توده ایران، آزادی فعالیت این حزب و خواهان اجاره غریب کمیونی بین المللی مرتباً در شان برانسانها - مبارزین و حقوقدانان و سید بنالیسما به ایران هستیم. ما همیشه نام حیدر را از زندانیان توده اعلام می داریم.

هیچ انقلاب مردمی نمیتواند با کمونیسم و شوروی ستیزی پیروز گردد

اعلامیه کمیته مرکزی حزب کمونیست آفریقای جنوبی، صادره توسط دبیر اول حزب دکتر یوسف محمد دادو، بتاريخ ۱۱ مه ۱۹۸۳

کمیته مرکزی حزب کمونیست آفریقای جنوبی به غیر قانونی کردن حزب توده ایران و دستگیری تعدادی از اعضای رهبری آن منجمله دبیر اول کمیته مرکزی حزب، نورالدین کیانوری، بر اساس اتهام ساختگی "جاسوسی برای شوروی" شدیداً اعتراض می نماید.

کسب "اعترافات" از این مبارزین، بی استفاده از شیوه های غیر انسانی و وحشیانه شکنجه، ممکن بوده است. سرکوب حزب طبقه کارگر ایران و تعقیب اعضای آن، نه تنها خطر عظیمی برای جان این افراد، بلکه برای آینده انقلاب ایران می باشد. در ایران نه تنها کمونیستها، بلکه تعداد زیادی از دمکراتها و شخصیت های مترقی، قربانی تلاش نیروهای ارتجاعی - دست راستی برای بدست گرفتن کنترل انقلاب ایران و انحراف آن از سیر خلقی و واقعی آن

گفته اند.

هیچ حزبی سابقه ای پرافتخار تر از حزب توده ایران در مبارزه برای آزادی ایران از یوغ امپریالیسم و سلطه خارجی و تلاش برای پیروزی از ثروت ملی توسط کسانی که با کار خود آن را تولید می کنند، ندارد. کمونیست های ایران، طی چهار دهه، بدون چشم داشتی در مبارزه بخاطر آزادی، جان باخته اند. آنها نقش برجسته ای در کمک به تجهیز مردم زحمتکش ایران در دوران تدارک انقلابی که منجر به سرنگونی شاه و رژیم استبداد در سال ۱۹۷۹ شد و در بیرون راندن نیروهای امپریالیستی و پیروزی امپریالیسم آمریکا و ایادی داخلی که سالهای طولانی حقوق مردم را پایمال کرده بودند، ایفا نمودند. پس از سرنگونی رژیم شاه، حزب توده ایران صادقانه خود را وقف مبارزه برای تثبیت و تحکیم انقلاب و شکست توطئه های ضد انقلابی، که قصد بازگرداندن ایران به جرگه کشورهای ارتجاعی متحد امپریالیسم را داشتند، نمود. سیاست های ضد کمونیستی و ضد شوروی که اکنون در ایران دنبال میشود، فقط میتواند اتحاد مردم را تضعیف نموده و بالعکس باعث تقویت نیروهای ضد انقلابی و شغف آمریکا، که آشکارا نیروهای

خود و متحدانش را به منظور کنترل منابع خاور میانه مستقر میسازد، میگردد.

هیچ انقلاب مردمی نمیتواند با کمونیسم و شوروی ستیزی که بنیاد تجریمی تاریخی، سلاح ارتجاع سرمایه داری است، به پیروزی برسد. حزب کمونیست آفریقای جنوبی خواستار رفع ممنوعیت فوری از حزب توده ایران و آزادی رهبران و سایر زندانیان توده ای است، تا آنها بتوانند مبارزه خود، بمنظور تقویت نیروهای انقلابی و پیروزی انقلاب ایران، ادامه دهند.

سرکوب حزب توده ایران، سرآغاز خفه کردن انقلاب است

در چارچوب کارزار همبستگی با رفقای رهبری حزب توده ایران و اعمال فشار به حزب، یک هیئت نمایندگی از سوی حزب کمونیست سوریه به ریاست ظهیر عبد الصمد، عضو دفتر سیاسی، به منظور ابراز نگرانی از سرکوب مبارزین در بند حزب توده ایران و خواست آزادی آنان، به سفارت جمهوری ایران رفقاه

به همه احزاب و سازمانهای برادرو مترقی و شخصیت های سیاسی و علمی و فرهنگی که از حزب توده ایران حمایت کرده اند

احزاب برادری با حقی برابر، به پاسداری از حقوق ملی مردم میهن خود و در دفاع از چریانات سه گانه انقلاب جهانی استوار ایستاده است و از پشتیبانی آنها برخوردار است، با تاریخ خود می بالد.

همین همبستگی بین المللی حزب قهرمانان ماست که خار چشم دشمنان استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی میهن ما گردیده و به نام جاسوسی و توطئه براندازی جمهوری اسلامی و غیره نامیده میشود.

ما بار دیگر بنام همه اعضا و هواداران حزب توده ایران از این پشتیبانی وسیع نیرومند شما صمیمانه سپاسگزاریم و طبیعتاً است که تداوم و تشدید این پشتیبانی و همبستگی در چنین ایامی، سهم گرانبهائی است که شما در پشتیبانی از مردم میهن ما و حزب ما در مبارزه استقلال طلبانه و آزاد یخواهانه آنها ادا می کنید.

با درود های برادرانه کمیته برون مرزی حزب توده ایران ۱۴ اردیبهشت ۱۳۶۲

رقفاه و دوستان گرامی پشتیبانی شما از حزب ما در یکی از دشوارترین مراحل تاریخ پرافتخار ما، در ایامی که دشمنان داخلی و خارجی انقلاب مردم میهن ما با غدارترین و در عین حال رسوا ترین شیوه های پلیسی حمله سرتاسری خود را علیه حزب ما، انقلاب و میهن ما آغاز کرده اند، گواه سنت استوار زنده و نیروبخش همبستگی نیروهای سوسیالیسم، دمکراسی و ترقی اجتماعی است.

شکنجه گران دستگاه امنیتی ایران، عده ای از رفقاه و همزمان ما را زیر وحشیانه ترین شکنجه های قرون وسطائی در هم شکسته و به "اعترافات" که بهیچوجه نه اصلتی دارد و نه حقیقتی، از قبیل جاسوسی، اختفای اسلحه برای براندازی جمهوری اسلامی و غیره و غیره واداشته اند. شما از تجربه مبارزات خود و از مبارزات خلقها و احزاب مترقی در راه استقلال و آزادی نمونه های فراوانی از این شیوه های ناجوانمردانه مبارزه امپریالیسم و دشمنان خلقها علیه خلقها و احزاب برادر می شناسید. حزب توده ایران از اینکه در خانواده

محافل بین المللی و افکار عمومی جهانی نمایش شوم علیه حزب توده ایران را محکوم می کنند

بقیه از صفحه ۷

در دمشق مراجعه نمود .

هیئت فوق ، پس از تبادل نظر درباره وضع فعلی در منطقه و ایران ، پیامی خطاب به ریاست جمهوری اسلامی ایران ، تسلیم مقامات سفارت نمود . در این پیام از جمله آمده است : " حزب کمونیست سوریه و نیز سایر ... د مکرراتی این کشور ، نگرانی خود را در مورد خطری که جان مبارزین زندانی تود های را تهدید می کند ، ابراز میدارند . اعتبار جمهوری اسلامی و سرنوشت انقلاب ایران نیز با این عمل در خطر است .

انتهاهایی که به این مبارزین نسبت داده شده است ، یعنی " جاسوسی " و " جعل اسناد " ، متعلق به فرهنگ محافظان امپریالیستی و ارتجاعی بوده و سرکوب حزب توده ایران که همواره پیگیرانه از اهداف بنیادی انقلاب دفاع کرده است ، سرآغاز خفیه کردن انقلاب می باشد و به منافع واقعی مردم ایران لطمه وارد میسازد . این اقدامات در سیاست خارجی ، قصد خدشه وارد ساختن به روابط ایران با کشور اتحاد شوروی ، که سیاستش بر اساس اصل خدشه ناپذیر احترام به حقوق خلقها و استقلال کشورها می باشد ، را دارد و باعث خشنودی امپریالیسم آمریکا ، صهیونیست ها و ایادی آنان در جهان بوده و به اعتبار انقلاب ایران در انظار جهانیان لطمه وارد می سازد .

۷۰ تن از اعضای پارلمان هندوستان خواستار آزادی اعضا و رهبران حزب توده ایران شدند

۷۰ تن از اعضای پارلمان هندوستان از طرف احزاب عمده آن کشور ، تعقیب و سرکوب حزب توده ایران را محکوم کرده و خواستار آزادی اعضا و رهبران آن حزب شدند . آنها به مبارزه پیگیرانه حزب توده ایران برضد رژیم شاه و امپریالیسم آمریکا و به نقش پیشگام آن در مبارزه مردم ایران اشاره نموده ، اظهار داشتند که فشار و تضيیقات در مورد رهبران آن حزب وحدت خلق را تضعیف کرده ، به سود نیروهای سرسپرده آمریکا و امپریالیسم می باشد .

مراکش

در بیانیه کمیته مرکزی حزب ترقی و سوسیالیست مغرب ریاض منتشر شده آمده است : حزب ترقی و سوسیالیست مغرب جسد طلب میکند ، به اقدامات تضيیقی که مقامات ایران

علیه حزب توده ایران آغاز کرده اند ، پایان داده شود ، و زندانیان بایستی بلادرنگ آزاد گردند .

در بیانیه مید شده است که :

طرز رفتار مقامات رسمی با فعالان دریند حزب توده ایران ، شکنجه های وحشیانه قرین وسطایی را بخاطر میاورد .

در این بیانیه خاطر نشان میشوید :

این نکته اعمال فقط و فقط به نفع امپریالیسم در منطقه است .

بدنبال شکنجه های جسمی و روانی جان رهبران حزب توده ایران در معرض خطر مرگ قرار دارد

روزنامه اومانیته ، ارگان حزب کمونیست فرانسه در تاریخ ۵ ماه مه بیانیه ماکسیم گرمز دبیر کمیته مرکزی و مسئول بخش روابط خارجی حزب کمونیست را با تیتیر درشت " برای نجات جان نرالدین کیانسوری دبیر اول حزب توده ایران ! برای آزادی همه د مکرراتهای ایرانی ! " بنچاپ رسانیده است . بیانیه بدین مضمون است :

" اخبار واصله از ایران ، نگرانی و تأثر مردم فرانسه را برانگیخته است . حزب توده ایران در پی دستگیری رهبران عمده آن ، منحل گردیده ، حوادث اخیر ایران ، خشم و انزجار همه کسانی را که همانند کمونیستهای فرانسوی ، از جنبش وسیع مردم این کشور برای سرنگونی شاه حمایت کردند ، برانگیخته است .

چنین اعمال غیر قابل توجیهی ، علیه منافع مردم ایران و مطالبات آزاد یخواهانه و استقلال طلبانه آنان می باشد .

بدنبال تحمل شکنجه های جسمی و روانی ، جان دبیر اول و سایر رهبران و اعضا حزب توده ایران در سیاهچالهای جمهوری اسلامی در معرض خطر مرگ قرار دارد . در برابر چنین تهدیدی ، طرفداران آزادی و عدالت و احترام به حقوق بشر نمیتوانند سکوت اختیار کنند و غریب آنان در طلب نجات جان ایمن مبارزین هر روز بیشتر اوج می گیرد .

فدراسیون حزب کمونیست فرانسه در لسواری واحد حزب در پل ژوئیف ، طی ارسال نامه های اعتراضی به سفارت جمهوری اسلامی ایران فرانسه ، خواستار رفع تضيیق و شکنجه در مورد رهبران و اعضا حزب توده ایران و آزادی فوری آنان گردیده اند .

۱۷ سازمان دانشجویی ، سازمان جوانان و حزب کمونیست در تولوز (فرانسه) طی ارسال

اعتراضیه ای به مجلس شورای اسلامی ایران ، به اعمال تضيیق و فشار علیه حزب توده ایران و رهبران و اعضای آن که در بازداشتگاه های بی نام و نشان بسر می برند ، به بررسی اوضاع کتونی و چرخش براسست حاکمیت ایران پرداخته و خواستار آزادی فوری مبارزین در بند گردیده اند .

اسامی این سازمانها بدینقرار است :

- اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه ● اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطینی ● اتحادیه ملی جوانان الجزایر ● جنبش ملی لبنان ● اتحادیه ملی دانشجویان مراکش ● انجمن دانشجویان یونانی ● اتحادیه جوانان بیتنامی ● انجمن دانشجویان اتیوپی ● دانشجویان مریتانایسی ● اتحادیه جوانان د مکررات سنگال ● دانشجویان یان د مکررات مراکش ● حزب استقلال و کسار سنگال ● حزب کمونیست لبنان ● حزب کمونیست یونان ● حزب کمونیست تونس ● حزب ترقی و سوسیالیسم مراکش ● حزب سوسیالیست پیشرو الجزایر

سندیکای کارگری ژرژت شکنجه های وحشیانه رهبران حزب توده ایران را محکوم نمود

۲۵ تن از اعضا سندیکای حزب کمونیست فرانسه (ژرژت) وزارت پست و تلگراف و تلفن پاریس ، طی ارسال نامه ای به سفارت جمهوری اسلامی ایران در پاریس ، بازداشت و شکنجه های وحشیانه رهبران حزب توده ایران را شدیداً محکوم نموده و اعتراض خود را مبنی بر خیر انحلال حزب از جانب دولت ایران ، اعلام میدارند . آنها در این نامه ، ضمن بر شمردن تاریخچه مبارزاتی حزب توده ایران و رهبران و اعضا در بند آن ، آزادی این مبارزین و از سرگرفتن فعالیت قانونی حزب را خواستار شده اند .

شعبه های مختلف حزب کمونیست فرانسه ، دستگیری و شکنجه رهبران و اعضا و انحلال حزب توده ایران از طرف مقامات دولتی جمهوری اسلامی ایران را محکوم کرده و ضمن مردود شناختن شیوه های کذایی " اقرار گیری از رهبران حزب ، خواستار آزادی زندانیان توده های و رفع تضيیقات از حزب گردیده اند .

● " انجمن مسیحیان برای الغاء شکنجه " در تولوز (ACAT) طی ارسال نامه هایی به مقامات جمهوری اسلامی ایران ، نگرانی عمیق خود

محافل بین المللی و افکار عمومی جهانی نمایش شوم علیه حزب توده ایران را محکوم می کنند

بقیه از صفحه ۸

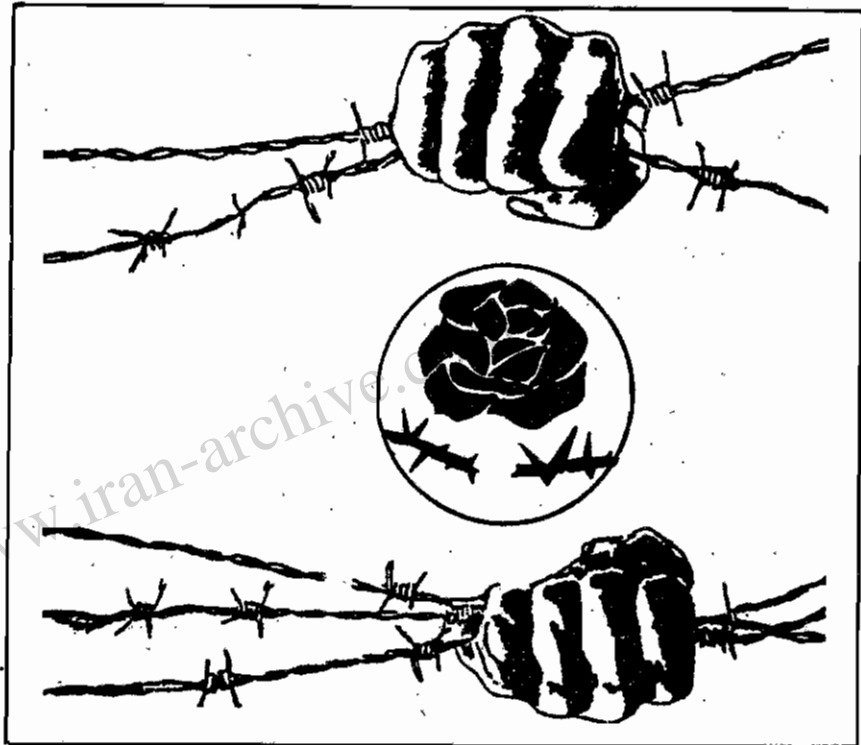
در بریتانیا نیز در مورد اوضاع کنونی ایران و کارزار گسترده ضد کمونیستی بسرکردگی آمریکا علیه اتحاد شوروی و نیروهای سوسیالیستی در سراسر جهان، سخنانی ایراد کرد. وی ضمن مقایسه کارزار ضد کمونیستی در ایران با کشورهای آمریکای لاتین و یونان سرهنگها، خاطر نشان ساخت که حمله به حزب توده ایران نشانه ندهند به بن بست رسیدن مقامات ایرانی در حل مسائل اقتصادی - اجتماعی جامعه، بنفع زحمتکشان است.

در پایان جلسه قطعنامه‌ای با توافق آرا به تصویب رسید که در آن تلاشها و توطئه‌های نیروهای ارتجاعی و حمله به حزب توده ایران و "اعتراف" گیری از رهبران حزب توده ایران در زیر شدیدترین و مدرنترین شکنجه‌های جسمی و روانی، قویا محکوم گردیده و خواسته شده است که یک هیئت بین‌المللی، مرکب از حقوقدانان و متخصصین وارد در امور شکنجه جهت باز دید از زندانیان، به ایران اعزام گردد. قطعنامه در خاتمه، کلیه نیروها و سازمانهای مترقی و دمکراتیک بریتانیا و جهان را دعوت به تلاش برای نجات رهبران حزب توده ایران می‌نماید.

موج همبستگی نیروهای مترقی با حزب توده ایران در آمریکا

موج همبستگی نیروهای مترقی با زندانیان در بند توده‌های ابعاد وسیعی کسب کرده است. سازمانها و احزاب دمکرات، شخصیتهای مترقی و برجسته ترین رهبران جنبش کارگری مثل لویی واین ستاک، با امضا طومارها و قطعنامه‌ها در این زمینه، صدای اعتراض بشر در استان ایالت کالیفرنیا را بر علیه شکنجه و آزار این مبارزین در بیدادگاههای شه ساختار جمهوری اسلامی ایران بلند کرده‌اند. از جمله احزابی که با حزب توده ایران و رفقای زندانیان مبارز همبستگی نموده‌اند، حزب کمونیست و سازمان جوانان کمونیست و شورای صلح آمریکا، شعبه لوس آنجلس، ائتلاف برای صلح در خاورمیانه، اتحادیه دانشجویان عراقی در آمریکا و کانادا، اتحادیه دمکراتیک عراق در آمریکا و کانادا، اتحادیه دمکراتیک جوانان عربستان سعودی و هواداران جنبه دمکراتیک برای آزادی فلسطین در آمریکا، شعبه لوس آنجلس، جنبش توده‌های برای همبستگی با خلق السالوادور، کمیته همبستگی با خلق گواتمالا، خانه نیکارکوئه در لوس آنجلس و کنگره ملی آفریقا، شعبه لوس آنجلس می‌باشند. بقیه در صفحه ۱۰.

در جلسه ۷ ماهه خود، قطعنامه‌ای علیه شکنجه‌های وارده به اعضا رهبری حزب توده ایران با توافق آرا، بتصویب رسانیده و ضمن آن از کلیه نهادها و سازمانهای دمکراتیک در بریتانیا و در سراسر جهان خواسته است تا برای نجات جان این مبارزین از خطر مرگ و اعدام، اقدام کنند. بخشهایی از قطعنامه در مطبوعات بریتانیا درج شده است. این کمیته همچنین روز سه شنبه ۱۷ ماه مه



جلسه‌ای با کمک شورای تعاونی‌های بریتانیا بنه ریاست دبیر حزب کمونیست بریتانیا در لندن تشکیل داد. در این جلسه، رئیس کمیته دفاع از انقلاب ایران در لندن، قطعنامه ۷ ماهه را با اطلاع حضار رسانیده. پس از سخنرانی دبیر حزب کمونیست بریتانیا، که طی آن وی از کلیه سازمانها و اتحادیه‌های کارگری و مترقی خواست که به دفاع از حزب توده ایران و مبارزین در بند برخیزند، نماینده حزب کمونیست عراق سخنانی پیرامون اوضاع کنونی ایران ایراد و پس از اشاره به تاریخچه حزب توده ایران طی ۴۱ سال مبارزه علیه دیکتاتوری و استعمار، به بررسی اتهامات واهی وارده به مبارزین در بند و اینکه چگونه ارتجاع همواره با چنین دستاویزهایی، کمونیستها را بگوخته اعدام سپرده است، پرداخت و در این رابطه به شکنجه‌های وحشیانه و مرگ کلام عازل دبیر اول حزب کمونیست عراق و اعدام خیسرو روزیسه اشاره نمود. در این جلسه دبیر کمیته سیاسی شورای تعاونی‌های لندن و معاون شورای جهانی صلح

را در مورد خطری که جان زندانیان توده‌های را تهدید می‌کند، ابراز داشته و هشدار داده است که مبادا این مبارزین، بخاطر عقایدشان، قربانی کشتارهای سیاسی و انتقام سیاسی شوند. انجمن، ضمناً خواستار اعزام هیأتی مرکب از پزشکان متخصص و حقوقدانان بایران، جهت بازدید از زندانیان گردیده است. خانم اوتریک رئیس این انجمن، در مورد صحنه "اقاریسر"

رهبران حزب توده ایران که از تلویزیون پخش شده، اظهار داشته است که استفاده از مواد شیمیایی و مخدر، شیوه‌ای که منجر به از دست دادن حافظه، شکنجه شونده‌گان و تکرار مطالب دیده شده از جانب آنان می‌گردد، در رژیمهای فاشیستی متداول است و در این زمینه به نمونه‌هایی از اهرگوت و آفریقای جنوبی اشاره مینماید.

شاهت کارزار ضد کمونیستی در ایران آمریکای لاتین و یونان سرهنگها

لندن - کمیته دفاع از انقلاب ایران که بابتکار اعضا و هواداران حزب توده ایران در انگلستان و با شرکت شخصیتهای دمکرات و مترقی از سراسر بریتانیا تشکیل شده است،

محافل بین المللی و افکار عمومی جهانی نمایش شوم علیه حزب توده ایران را محکوم می کنند

بقیه از صفحه ۹

"انجمن دوستان آمریکایی ایران انقلابی" (AFRI)، طی اطلاعیه مطبوعاتی که برای مطبوعات سراسر آمریکا ارسال گردیده و بخشی از آن در شماره ۱۴ ماه مه روزنامه "دیلی ورلد" ارگان حزب کمونیست آمریکا به چاپ رسیده، از کلیه نیروهای صلح دوست و آزاد یخواه آمریکا خواسته است که از طریق ارسال نامه یا تلگراف به هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان ملل متحد و یا به دفتر حفاظت منافع ایران در سفارت الجزایر، مراتب اعتراض خود را به دستگیری و شکنجه رهبران و اعضای حزب توده ایران بنظر "اقرار" گیری ابراز دارند. انجمن، در این اطلاعیه خواستار اعزام هیئتی مرکب از حقوقدانان و پزشکان متخصص بایران جهت بازدید از زندانیان و نیز امکان شرکت هیئت ناظر و بی طرفی در جلسات محاکمه رهبران حزب گردیده و در پایان خواستار رفع فوری تضيیقات علیه حزب توده ایران و آزادی بی درنگ زندانیان توده ای گردیده است.

در این اطلاعیه همچنین پس از اشاره به مبارزات حزب در دوران حکومت دیکتاتوری شاه و نقشی که در جریان انقلاب در ایران بعهده داشته است، چنین آمده:

"اعمال فشار بر علیه حزب توده ایران و دستگیری و شکنجه و آزار رهبران و اعضا آن، اکنون در ایران قدرت می گیرند. در این رابطه بقایای مأمورین ساواک بویژه بخشی که در زمان شاه، مأموریت فعالیت بر علیه حزب را بعهده داشت، با کمک مأمورین سیا و اینتلیجنت سرویس اجرا کنندگان این برنامه ضد بشری بوده اند.

دفاع از حزب توده ایران و اعضا در بند آن، در واقع دفاع از انقلاب ایران و در ضمن دفاع از مردم آمریکا نیز هست، زیرا انسان بهیچوجه نمیخواهد که منطقه خلیج فارس به صحنه یک تصادم بین المللی و در نتیجه بروز جنگ هسته ای مبدل شود. اطلاعات حاصله در مورد طرحهای "دفاعی" پنتاگون و استراتژی نیروهای واکنش سریع، همه حاکی از آن است که اجرای چنین سناریوی خطرناکی که امکان تحقق بسیار دارد و چنانچه مسیر بازگشت انقلاب در ایران، توسط نیروهای راستگرایان ادامه و تحکیم یابد به احتمال زیاد، محافل ارتجاعی ایران، این کشور را مجدداً به پایگاه نظامی آمریکا و سکوی سلاحهای اتمی علیه اتحاد شوروی مبدل خواهند ساخت."

روزنامه "دیلی ورلد" ارگان حزب کمونیست آمریکا، در شماره ۱۳ ماه مه خود، طی مقاله ای، از نیروهای آزاد یخواه و منرفسی کشور خواست که به دفاع از رهبران حزب توده ایران بپردازند. در بخشی از مقاله چنین آمده است:

"شیکاگو- مردم این شهر بنظر دفاع از رهبران و اعضا حزب توده ایران که در زندانهای جمهوری اسلامی بسر می برند، اقدام به تشکیل کمیته نموده و به جمع آوری کمک مالی پرداخته اند. این کمیته تحت عنوان "صندوق دفاع از هواداران در بند انقلاب ایران" قصد دارد هیئتی مرکب از پزشکان متخصص و حقوق دانان، بنظر بازدید از زندانیان توده ای بفرستد. این هیئت می تواند در صدد تهیه هزینه سفر این هیئت باشد.

کمیته، بیانیه ای نیز در این زمینه منتشر کرده است که شخصیت های سرشناسی همچنان آنجلا دیویس، جیم ساولین و دیر اجرائی "سازمان دوستان آمریکایی ایران انقلابی" (AFRI) و پرفسور "یان کرو" و "کلایسی چون جان آبت" و "ستانی فاولکسر" از جمله امضا کنندگان آن می باشند.

سرکوب حزب توده ایران، دیدار وزیر بازرگانی با نمایندگان آمریکا

موند و اوررو ارگان حزب کمونیست اسپانیا در تاریخ ۱۲ ماه مه، مقاله ای در مورد صحنه "اعترافات" در پیر اول حزب توده ایران و جعلی بودن این "اعترافات"، شکنجه های وارده بوی و هم زمانش و اعلامیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران در این زمینه و مسئله اعزام هیئت حقوقدانان و پزشکان به ایران، درج نموده و به بررسی اوضاع کنونی ایران پرداخته است. در این رابطه سپس می خوانیم:

"انحلال حزب توده ایران و شکار کمونیستها بوسیله دولت، و همزمان با آن اخراج دیپلماتهای شوروی از ایران، بخشی از توطئه گسترده ضد انقلاب و آمریکا علیه انقلاب ایران بوده و حزب توده ایران اولین قربانی پیروزی نیروهای مذهبی بازاری (بورژوازی) و در کل جناح راست در ایران است. این حملات راستگرایان، همزمان با اقدامات آنان در زمینه سیاست خارجی - از جمله دیدار عسکر اولادی وزیر بازرگانی با نمایندگان آمریکا

در الجزایر و تقویت رابطه سیاسی - اقتصادی با ترکیه - نشانه هایی از چرخش به راست در مجموعه سیاست دولت جمهوری اسلامی ایران است."

اطریش

دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اطریش نسبت به انحلال حزب توده ایران از طرف مقامات رسمی جمهوری اسلامی، بسیار دناشت بسیاری از فعالان این حزب شدیداً اعتراض کرد.

در بیانیه منتشره خشم و انزجار نسبت به اعمال زجر و شکنجه هایی که با کمک آن مقامات ایران رهبران بازداشت شده حزب توده ایران را وادار میکنند که به فعالیت های ضد د ولتی "اعتراف" کنند، ابراز میشود. در این بیانیه حاضر نشان میگردد که حزب توده ایران طی سالهای زیادی به منظور عقیم گذاشتن دساتیر امپریالیسم در ایران و برای دفاع از استقلال ملی فعالانه مبارزه کرده و می کند. در شرایط رژیم سلطنتی، وقتی که اعضای حزب توده ایران بصورت وحشیانه مورد تعقیب و پیگرد قرار گرفته بودند، این حزب با متانت و پیگیرانه بحاضر عدالت اجتماعی و دموکراسی مبارزه میکرد.

دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اطریش ضمن ابراز همیستگی با فریادبانان تضییق و فشار، از مقامات رسمی ایران طلب کرد که تمام میهن پرستانی که در زندانهای ایران بسر میبرند، بایستی آزاد شوند.

به این قانون شکنی ها خاتمه دهید

گروه پارلمانی حزب کمونیست چپ سوئد از طریق سفارت جمهوری اسلامی ایران در استکهلم اعتراضیه ای خطاب به مقامات مسئول جمهوری ارسال داشته است که متن آن چنین است:

"ما به رفتار شما علیه حزب توده ایران و اعضا و رهبران آن شدیداً اعتراض می کنیم. دست بردن به این نوع توطئه ها و اعمال شکنجه، مسائل شما را حل نخواهد کرد. این زندانیان مبارز را آزاد ساخته و باین قانون شکنیها خاتمه دهید!"

رققای حزب کمونیست عراق در استکهلم طی نامه ای اعتراضی که به سفارت جمهوری اسلامی در سوئد فرستاده اند، خواستار پایان دادن به

بقیه در صفحه ۱۵

زنده باد حزب توده ایران مدافع راستین استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی

بدرود فاطمه

فاطمه دخترکی ۱۵ ساله بود. نوشتنشانند تا -
 تلین او حسین و رضا چند ساله اند. ولی از آنچه
 که روی داده میتوان حدس زد که صحبت بر سر د و
 جوان است. یک گل نوحاسته بدست د و جوان
 نادان پرپر شده است. چرا؟ آیا این جنایت
 برای جامعه ما تضاد فی است یا مانند آئینه ای
 تمام نما چهره زشت عقده های جنسی دردناکی
 را که اینک بر کشور ما سایه افکنده است متعکس
 میکند؟

"حسین در بازجویی به ما موزان گفت: بعد
 از ظهر روز سه شنبه، من به اتفاق رضا، فاطمه
 را که از قبل می شناختم به قصد تجاوز به داخل
 خزانه ای واقع در انتهای شهر ری بردیم ابتدا با
 تهدید جاقو به او تجاوز کردیم. سپس با چاقو
 گردن او را بریدیم. وقتی فاطمه به قتل رسید،
 جنازه او را داخل چادری بیچیدیم و به داخل
 محوطه انداختیم و چاقو را هم به داخل حوض اندا-
 ختیم." (اطلاعات ۱۱ اسفند ۱۳۶۱)

تجاوز به عنف در سراسر دنیا و بیژوه در کشور
 های سرمایه داری زیاد اتفاق می افتد. اما کشتن
 یک دختر یا زن پس از تجاوز مستلای عادی و روز
 مره نیست. این دیگر از ویژه گیهای زندگی کنونی
 ماست. و مسافانه در جمهوری اسلامی نه تنها
 دختر بچگان، بلکه پسر بچگان هم در معرض این
 خطر وحشتناک قرار دارند.
 هر کس طی چند سال اخیر در صفحات حواش
 و آگهی های روزنامه ها دقت کرده باشد متوجه
 شده است که هر روز صحبت از ناپدید شدن کودکان
 کان و نوجوانانی است که اکثر آده تا پانزده سا-
 لکند و پیکر آنها ناکهان سر به نیست میشوند و دیگر
 بخانه و کاشانه خود باز نمی گردند و پدر و مادری
 را برای همیشه گریان و نالان میکنند.

راستی چه خیر است؟ چرا در جمهوری اسلامی
 ایران اینهمه نوجوان و کودک - دختر و پسر
 ناپدید میشوند و این تراژدی پایان نمی یابد؟
 بیایید صادقانه ببیندیشیم و علل آنرا پیدا کنیم.
 در کشوری که شب و روز پیرامون لواط و زنا و انواع
 انحرافات جنسی در رادیو، تلویزیون، روزنامه
 ها و جلسات سخنرانی، بحث میشود و همه جا
 صحبت از تحزیر، تازیانه زدن، سنگسار کردن و
 دیگر مجازات های شرعی است، چنین رویداد
 هائی شگفت انگیز بنظر نمی رسد. در کشوری که
 انواع و اقسام محدودیت های غیر لازم را به مردان
 و زنان تحمیل کرد مانند، مردم را بحاضر گرفتن
 جشن عروسی در خانه های خود هم تهدید می -
 کنند، با اختلاط زن و مرد حتی با حفظ عفت
 بنام "اسلام" مخالفند و نیمی از جامعه را بطور
 مصنوعی از نیم دیگر جدا کرده اند، حاصلش جز
 دیوانگی جنسی و پیدا شدن همه گونه انحرافات
 و جنایات اجتماعی چیز دیگری نمی تواند باشد.
 آنان که مرفماند و پول دارند، بیماری خود را با
 اعمال زشت پنهانی یا بظاهر شرعی درمان میکنند
 و کسانیکه امکان ندارند، اگر عاقل بوده و قید بند
 های اخلاقی و انسانی داشته باشند دچار عقده
 های درونی و بیماریهای روانی میشوند و اگر
 مانند اکثریت انسانهای ساده و خاکی اسیر غرایز
 خود باشند و جوانیشان اجازه درک عواقب مد هوش
 اعمال جنایتکارانه را ندهد، میکوشند قربانیان خو
 را برای همیشه خاموش کنند تا گرفتار عقوبت های
 وحشتناکی مانند سنگسار شدن نکرند. یکی را
 مانند فاطمه ناشیانه سر میرند و توی حوض می -
 اندازند که پیدا میشود و دیگران را چنان سره -
 نیست میکنند که اثری از آنها پیدا نمیشود.

از همه بدتر اینکه فاطمه اگر هم مورد ترحم
 قاتلان نادان خود قرار میگرفت و رها میشد دیگر
 برایش زندگی معنی نداشت. زیرا در محیطی که
 "یک سانت" عقب رفتن حجاب را "حزب الله"
 تحمل نمی کند، دختری که با پای خود به خرابه
 رفته و بی ناموس شده، اگر سنگسار نشود، لاشه
 متحرکی است که باید برای تمام عمر قید تشکیل
 خانواده و زندگی آبرومندانه را بزند.
 بدرود فاطمه! تو با مرگ خود بازگوکننده
 زندگی نابسامان نسل جوان ایرانی شدی. ما با
 اینکه تو را نمی شناختم بخاطر مرگ زود رست،
 بخاطر سرنوشت تلخ و بخاطر زندگی غم انگیز
 کودکان و نوجوانان ایرانی سخت گریستیم.

یک استدلال عجیب!

می کنند، علت آنکه این اسامی، برای تحقق
 همین خواسته های آزادی و عدالت اجتماعی
 برای زحمتکشان و نامن اسفلال کشور علیه رژیم
 شاه دهها سال نبرد کرده اند، نوا اکتون در
 زندانهای شاه ساخته جمهوری اسلامی ایران به
 این نتیجه رسید هاند، که خواستار این آما - ها
 در جمهوری اسلامی شدن دیگر "حق"
 نیست و لذا تسلیم شدند. این نحو
 "استدلال" آنقدر شناخته شده و رنگ باخته
 است، که اسامیهای شریف باید شرم داشته
 باشند آنرا بکار برند، حتی برای نجات جان و
 موقعیت خود!
 مردم به این "استدلال" ها و انواع دیگر
 ظریفتر و خشن تر آن باور ندارند، زیرا تا هرود
 رژیم شاه، کنگه گران ساواکی را شناخته اند و
 با "مقام امنیتی" آشنائی کافی دارند! "مقام
 امنیتی" ای که اکنون با همان "آبراز کار" به
 اضافه متد های لایراتوری و داریوش جدید دست -
 به کار همان کار زشت، جنایتکارانه و هولناک خود
 هستند، که در رژیم شاه مشغول بودند! این
 استدلال را مردم با تجربه شخصی خود لمس و
 درک کرده بودند و با گوشت و پوست خود
 می شناسند!

جنایت هولناک "مصاحبه" تلویزیونی، که
 در میهن ما به وقوع پیوسته است و برای اجرای
 آن شکنجه های قرون وسطایی و اضافات جدید
 "داریوش" آن، که از زرادخانه "سیاس" و
 اینتلجنت سرویس بیرون آمده است، بکار گرفته
 شده است، همانند تف سریالا بر صورت اجرا
 کنندگان و مدافعان این جنایت بر می گردد.
 مردم میهن ما با ابراز عدم اعتماد و ناپا وری
 به این شیوه "مصاحبه" و شناختی که از تدارک
 همه جانبه آن در زمان شاه دارنده با واکنش
 ناپاوارانه خود به این نمایش، دست آنها را بلز
 کرده اند، که تصور می کردند با چنین "اقا بری"
 خیال خود را از جانب حیزب نموده ایسران
 راحت خواهند کرد!

شکنجه گران "سیا" چهره گنم و با نام
 حامیان آنها در حاکمیت جمهوری اسلامی
 ایران هر روز بیشتر به شکست این شیوه بر سر -
 منشا نه پی می برند و می کوشند در صحبت ها و
 حبه های پشان، در سرمقاله روزنامه های پشان به توجیه
 این نکته بپردازند، که چگونه انسانهای شریفی
 که تا سن پیری و زیر خطر اعدام و یا سالهای
 متعددی در زندانهای مخوف شاه، در مقابل
 آن رژیم جبار مقاومت کردند و شکنجه های آن را
 تحمل نمودند، اکنون پس از چند هفته کسه
 "میهمان این آقایان" بودند، پشت به تمام
 اعتقادات خود زدند؟!!

"استدلال" جنایتکاران و حامیان آنها
 در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، در واقع
 چیزی جز همان "استدلال" محمد رضا شاهی
 نیست! محمد رضا شاه هم می گفت، که آنها
 وقتی در سرفرست یا "پیشرفت های محیرالعقول
 انقلاب شاه و مردم آشنا شدند" به اشتباه خود
 پی بردند و کمر به خدمت رژیم او بستند!

استدلال می کنند، که علت مقاومت ایسران
 آزاد بخواهان در زندان محوف شاه آن بوده
 است، که آنوقت حرف آنها حق بوده است.
 بچهارت دیگر خواستار آزادی و عدالت اجتماعی
 در رژیم شاه شدن، حق بوده است. تا اینجا
 استدلالشان درست است! جنایتکاران و حامیل
 آنها سپس بر مبنای این استدلال درست به
 تحمیل توده ها می پردازند و می گویند "استدلال"



انقلابی را که میتواندست با تکیه بر توده‌های زحمتکش خلق، در عرصه اجتماعی هم پیروز شود به در پیورگی و شکست کشاندند

"من به اینهایی که دارای املاک زیادی هستند و دارای ثروت زیادی هستند، به اینها عرض میکنم که يك قدری به حال این فقرا برسید. اینها را از خانه‌هایی که فرض کنید حالا نشستند شما دو هزار تومان میگیرید، می‌گویید من سه هزار تومان میخواهم. خوب يك قدری چیز بکنید، اینها هم زندگی داشته باشند ۱۰۰۰ آنها بیچاره‌ها قانع هستند به يك زندگی متوسط، به يك زندگی که بتوانند اعاشه خودشان را بکنند. يك سایه سزی داشته باشند." (جمهوری اسلامی - ۶ فروردین ۱۳۶۲)

این سخنان را با آنچه که در نخستین روزها انقلاب پیرامون "کوچ نشینان و کاخ نشینان"، "مستضعفان و مستکبران"، "عدالت اجتماعی"، "سندیت دستهای پینه بسته دهقانان برای مالکیت زمین، بوسه پیامبر بر کف دست کارگر و غیره و غیره گفته میتند مقایسه کنید تا به روی گرداندن کامل رهبری انقلاب از عدالت اجتماعی پی ببرید. هرچو ناجوانمردانه و وحشیانه به حزب توده ایران حاصل منطقی این پشت کردن به اهداف اولیه انقلاب است.

دیگر صحبت از ریشه کن کردن بیعدالتی‌ها و زدیها و غارتگریها نیست. کلان سرمایه داران میتوانند ثروتهای غارت شده از توده‌های محروم را حفظ کنند و به شغل "شرف" خود ادامه بدهند. بزرگ مالکان میتوانند زمین‌ها را پس بگیرند و نگاه دارند و خون دهقانان را بکنند. صاحبان صدها واحد مسکونی میتوانند همچنان به چپاول درآمد‌های مستأجران حقوق بگیر مشغول باشند. فقط با کمال خنوع خدمت آنان، عرض میشود که "يك قدری به حال این فقرا برسند، زیرا" آنها بیچاره‌ها قانع هستند به يك زندگی متوسط، به نان بخور و نمیر به يك سقف بی در و پیکر، به زندگی در حلبی‌آباد. اینست آن چیزی که "علمای بزرگ" پس از چهار سال جستجو در کتب فقهی برای کمک به "مستضعفان" و "برقرار کردن جامعه عدل و قسط اسلامی یافته‌اند".

کسانیکه مبارزات انقلابی قهرمانانه سردم ایران و پیروزی شوک‌همنده آن در بهمن ۵۷ آناترا بر اریکه قدرت نشاند، اینک بر اثر تحجر فکری و کج اندیشی و وابستگی‌های طبقاتی خویش آنچنان انقلاب را مسخ کرده‌اند که باز شناختن بسختی میسر است. این دیگر انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی بهمن ۵۷ نیست. این يك انقلاب شکست خورده و اسیر دست عمال امپریالیسم و بازرگانان عده بازار و ملاکان است که در زمان شاه با پرداخت خمس و زکات و کمک‌های مالی به "حوزه‌های علمی" عملاً ولینعت روحانیون بودند و اکثریت آناترا بخود وابسته کرده بودند. پس از انقلاب، این روحانیون که سالهای سال "پرورده" نعمت بزرگان" بوده‌اند حق نان و نمک را بجای

آوردند.

در سالهای انقلاب کارگران و دهقانان و کارمندان پولی در دست نداشتند که در اختیار "حوزه‌های علمی" قرار دهند. آنان از جسان خود مایه گذاشتند و ببهای دهها هزار قربانی و معلول انقلاب را به پیروزی رساندند. ولی حالا معلوم میشود که پولهای پرداختی بازاریان به روحانیون بیش از دهها هزار شهید و معلول خلق به پیروزی "انقلاب اسلامی" کمک کرده است و باین جهت روحانیون از اعتماد مردم سوءاستفاده کرده کم کم راه تسلط مستقیم سرمایه داران و ملاکان را بردستگاه حکومتی هموار کردند. بتدریج در مجلس شورای اسلامی اکثریت را حائز شدند و شورای نگهبان، این مجلس سنی دوران پس از انقلاب، یکسره متعلق به آنان و حافظ منافع نامشروعشان شد و در دیگر نهادها نیز تسلط عمال طبقات بهره‌کسر کاملاً آشکار گردید.

این واقعیت دردناک را فقط ما توده‌هایای نمی‌فهمیم. همه مردم زحمتکش و شرافتمند ایران دارند کم کم به آن پی‌میبرند ولی افسوس که بر اثر خیانت قشریها به انقلاب، امکان واکنش مؤثر را از دست داد‌اند. و به این آسانیهایی نمی‌توانند خود را از شر این بختک‌هایی که روی انقلاب افتادند و آنرا خفه کردند خلاص نمایند. مردم مسلمان و غیرمسلمان زحمتکش ایرانی چنین می‌پنداشتند که با ابراز اعتماد به روحانی که خود را مردمی معرفی میکردند به آنان امکان میدهند اسلام نوینی را مستقر کنند که ارتباطی با اسلام امویان و عباسیان و ابن سعید هاندارد و مدافع توده‌های زحمتکش خلق است و رامیشرفت اقتصادی و اجتماعی را می‌کشد. اما آنچه که پس از گذشت زمان عرضه شد نکبتی است در زورق "اسلامی" که میهن ما را دهها سال از قافله تمدن به عقب برده و بعلاوه دارد آنرا از نسو بصورت یکی از اقمار امپریالیسم درمی‌آورد.

وزیر کار سرمایه‌داران و دولت "انقلابی" فقر و ثروت را بوجه آزمایش خداوندی وانمود میکنند. در پاسخ اوست که نماینده مردم خود در مجلس شورای اسلامی میگوید: "طرز تفکری که استثمار را مشیت خداوند میداند، تلقین قارونها، فرعونیان و امویان است و امروزه نیز کار شبکه خناسان میباشد. این آقایان میلیاردها که در زمان شاه تمام کارخانجات و بانکهای او را اداره میکردند چه شده است که امروز همشان سجاده و تسبیح بدست گرفته و دعوی طرفداری اسلام عزیز را دارند بعلمت حاکمیت اینان بر اقتصاد کشور است که آن وزیر آمریکائی میگوید بازار ایران را نیاید از دست داد."

واقعا چطور شد که این میلیاردهای زمان شاه توسط حزب جمهوری اسلامی وارد مجلس شدند و سپس معلوم گردید که آنان نه از کسره

مسلمانان مبارز انقلابی، بلکه صاف و ساده از سرژان داران بازاری بوده‌اند که بخاطر حفظ بعدی منافع غارتگرانه خویش، لنگه لنگان بد نیال انقلاب می‌آید‌اند و تنها پس از اینکه مثلا به مقام وزارت بازرگانی رسیدند نقاب از چهره برگرفتند و خود را آنطور که هستند معرفی نمودند.

همین‌ها هستند که تبلیغ میکنند در کشور ما کمبود کالا وجود ندارد زیرا همه چیز پیدا میشود. اما با قیمت گران. نتیجه همین طرز تفکر است که میلیونرها را میلیاردر میکند.

هنگامیکه آزاد شدن اقتضای آمیز توزیع برنج ایرانی اعلام شد و فریاد اعتراض کارگران و دیگر زحمتکشان برخاست، یکی از نمایندگان مجلس با خشمی بحق فریاد زد: "این چگونه توزیعی است؟ در کدام مملکت حتی سرمایه‌داری چنین آشرفله قلمکساری وجود دارد؟"

این نماینده مجلس گفت: "وقتی در مجلس شورای اسلامی کاری بنفع مستضعفین انجام میگیرد داد و فریاد میزنند که اسلام از بین رفت، اما الان که اینهمه استثمار آنهم بشکل يك جریان انجام میگیرد فریاد هیچکس بلند نیست."

ولی رهبری انقلاب که از مسائل بخرنجه اجتماعی و اقتصادی هیبر سردر نمی‌آورد، همچنان در پی ایجاد وحدت میان گرگ و بزه برای "نجات اسلام" است: "آقا، در جاهای دیگر، صفهای طولانی بیشتر از اینجاست. اینجا قحطی نیست که، اینجا فراوانی است. منتبھی گرانی است. گرانی هم علاج دارد. ما نویسن خودمان را، اسلام خودمان را، جان جوانانمان را بخاطر -

ببند از نم که گوشت گران است، میوه گران است." سرمایه داران و زمین خواران همچنان غارت میکنند و به فکر "نویسن و اسلام نیستند. کارگر و دهقان دارند از گرسنگی میمیرند، کمرشان زیر بار گرانی بی‌بند و بار می‌شکند ولی از آنان سکوت و بردباری می‌طلبند تا "همین اسلامی" که به یمن و برکت شورای نگهبان برگزیده امام بر کشور حاکم شده حفظ شود. "آنهاشیکه نق میزنند و بخيال خودشان دلشان برای اسلام میسوزد، آنها بدانند که اگر این اسلامی که الان در اینجا هستر سیلی بخورد، اسلام تا آخر سیلی خوده است."

اما این اسلامی که اینک در کشور ما حاکم شده، همان اسلام امویان و عباسیان و ابن سعید هاست. هرآنچه که نشانی از اسلام زحمتکشان داشت بتدریج توسط شورای نگهبان منتخب امام زدوده شد. چنین "اسلامی" بدون شک از تاریخ سیلی خواهد خورد زیرا علیه منافع توده‌های کارگر و دهقان گام برمیدارد. این سیلی سخت حاصل تحجر فکری و ندانم کاری رهبران انقلاب است. سیاست ضد خلقی به هرنامی و در هر بسته بندی، که عرضه شود، سرانجام مفتضحاً شکست می‌خورد.

فاشیرم معمولی

"نیرس، پسرم! همه چیز، کتابها، همه را بردند، همه، همه چیز را حراب کردند، نیرس، پسرم"

نحست به بهانه دستگیر کردن "جاسوسهای روس" شبیخون خود را آغاز کردند. اما خیلی زود معلوم شد که به جنگ کتابها، به جنگ علم و دانش آمده اند و از هیچ خشونت و وحشیگری رویگردان نیستند.

"ما با اینها، با اعضای این گروهکها در زندانهای شاه بودیم و آنها را خوب میشناختیم. میتوانستیم همان روزهای پس از انقلاب همه آنها را نابود کنیم ولی دست نگاه داشتیم که قصاص

قبل از جنایت نشود. اما بعد مجاهدین جاسوسی خود را با سعادتتی شروع کردند و رهبری حزب توده هم خود را مدتی خط امامی جازیدند ولی ما تحمل کردیم چون خطرناک نبودند. ولی همه که دیدیم دارند خطرناک میشوند و اسرار نظامی ما را در اختیار شورویها میگذارند همه آنها را روانه زندان کردیم. اعضای ساده حزب توده که از خیانتهای رهبری خود اطلاع نداشته اند میتوانند آسوده خاطر باشند ولی هر چه زودتر بیایند خود را معرفی کنند. تا ما مانند هیلتلر داغی روی سینه، پشت یا بازوی آنها بگذاریم تا مادام العمر معلوم باشد که مشترکند،

ملحدند، خدا را قبول ندارند و جسارت کرده اند از حقوق کارگران و دهقانان دفاع کنند.

آقای رفسنجانی و شرکا، روزهای اول پس از انقلاب با اینکه میخواستند، نتوانستند تصمیم بگیرند و دستور نابودی فوری دگراندیشان را صادر کنند. زیرا فکر میکردند "اسلام را شناخته اند و وقتی با آن آشنا شوند دست از عقاید شرک آلود و التقاطی برمیدارند" اما اکنون سه دیکر چهار سال گذشته و همه با پوست و گوشت خود "اسلام" آقایان را شناخته اند و واقعا هم جز نابود کردن همه دگراندیشان و ایجاد وحشت در دیکران چاره‌ای باقی نمانده است.

هیلتلر یهودیان و کمونیستها را می‌کشت، جمهوری اسلامی اعضای فرقه‌های ضاله و همه دگراندیشان و کمونیستها را، هیلتلر کتابهای مترقی و کمونیستی را آتش میزد، پاسداران جهل در جمهوری اسلامی نیز چنین میکنند. بگی بنام فاشیرم، دیکری بنام اسلام، دخترکی به برادرش در خار- چنین مینویسد:

"برادر جان سلام يك خیر ناکوار، بابا را گرفتند. ساعت ۶ صبح روز يك شنبه ۱۷ بهمن به خانه ما آمدند. مادر شب سطل آشغال را بیرون گذاشته بود تا صبح بحاطر پدرمان رنگ نزنند زیرا او بیمار بود. تازه يك هفته پیش از بیمارستان به خانه منتقل شده بود. صبح آنقدر رنگ زدند که مادر وحشت زد، جاد ریسردم در رفت، آنها ناکم ریختند توی خانه و گفتند برو کنار. مادر گفت پسرم شوهرم بیمار است. ولی کی حرف، کوثر میداد. من در رختخواب کریه میزدم. پدر را از رختخواب پاره‌رهنه روی برافشانام گل فروشی که در حیاطبان اصلی است و ۱۰۰ متر از خانه ما فاصله دارد کشان کشان بردند، برادرمان را هم که با شورت بود می میکشیدند بالا و هسی پائین. بالاخره همه ما را بردند. بعد از من بازجویی کردند و مرا به خانه آوردند. تا خانه را بگردند. همه کتابها را بردند آدرس‌تورا هم بردند."

از نامه مادری به پسرش در خارج: "پسر جان سلام امید وارم که حالت خوب باشد. از طرفی دلم برایت تنگ شده است از طرف دیگر خیلی خوشحالم که در ایران نیستی. وحشت از "اسلام" سراسر جامعه را فراگرفته است.

خشونت‌های وحشیانه بهنگام دستگیری همه رفقا روی داده است. همه را بدون لباس، بدون عینک و حتی کسانیرا بدون دندان مصنوعی با خودشان بردند. دنباله این خسته‌نثها به صورت شکنجه در بازداشتگاهها دنبال شده است.

همه چیز حالی از آن است که با يك فاشیرم معمولی سروکار داریم. ترکیبی از ساواک شاه و قشربکری که بعلت سردرگمی و نادانی رهبران روز بروز هارتر و خشن تر میشود و تنها راه نجات را در نابودی مخالفان بالقوه و بالفعل خود تصور می‌کند.

این جهان ما جهان بودهاست

این جهان ما جهان بودهاست؛ هرچه هست و بود، خواهد بود نیز؛ لیک پوینده است ذات بودها، هرچه را "این گوی، آخر، آن" شود در دل هر بود، نابودان نگردد؛ بود، نابود است و نابود است، بود؛ چنین بود و نبود بسی کسان آنچه یا نابودی خود، گشته هست، چون شود نابود آنچه هست بود، مرز دیروز است و فردا، روز ما سرخی اکنون طیفوانسی ما از دل سرخ کنون آید پدید بین درون غنچه نوزاده ای، هر چه را تو بنگری، آن يك، د و است، کهنه و نودر ستیز بسی در ننگ؛ نو فرو کسود ز قیام کهنه را، زین کشاکش، خویش هم دیگر شود، بطنی در پوشش جاوید خود، گل ز تخم و غنچه می آید بیرون، گل، گل است و غنچه و تخم است نیز. زین سبب آینده پر مایه تر است، رفت دیروز من و امروز من روز من فردا است، فردا روشن است؛ روشنی زاید زبط من تیرگی، گر بخواهی هر نخواهی، شب ر و ده ما همه در راه صبح روشنیم، سیر ما سازندم تاریخ ما است. چون دوان با شوق و آگاهی رویم، جنبشی از جان و دل، با چشم باز، آفتاب زندگی تاباننده باد،

بودها آن را چو تار و پودهاست. هرچه خواهد بود، هست و بود نیز. خود نیار آمد به سان رودها این شود نابود، آن گه آن شود. در دل نابودها، بودان نگر بودها زاینده از نابود بود. شد کمانی به سر پیکان زمان؛ بود دیروزی است، بود رفته است؛ مرغ فردا بال و پیر خواهد کشود؛ ما فردا دختر دیروز ما. از سیاهی گذشته شد فرا؛ سبزی آینه و نو آفرید، تخم مرده، نو گل نازا ده ای. هم پیام کهنه، هم پیک نواست. قلب هر چیز است يك میدان جنگ. زوبیالاید حرم خانانه را. آنچه نوبوده است، خود نوتر شود. می فرایند، می فرزند خود به خود لیک دارد، چیز کی زان دو نوزون؛ تخم و غنچه نیست چون گل عطریز. از گذشته، هم ز اکنون برتر است. می رود، زان پس بیاید روز من؛ شام تیره، بام را آستن است. زاده بر زاینده یا بد چیرگی. صبح تاریخ بشر ناگه دمدم. در دل تاریخ، آن سومی رویم. سیر تاریخی کجا از ما جدا است؟ راه تاریخی خود، کوه کنیم. مرد اکنون را کند آینده ساز. چشم ما بر طلعت آینده باد!

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

آیا حاکمیت در جمهوری اسلامی ایران یکدست شده است؟

بقیه از صفحه ۱

اما اکنون این سؤال بد رستی مطرح است، که آیا پس از یورش به حزب توده ایران و به کار بردن شیوه‌هایی که از ساواک به ارث برده شده است و در خدمت گرفتن آگاهانه فرس - دوست‌ها و کشمیری‌ها و کلاهی‌ها، می‌توان هنوز از "دو خط" در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران صحبت کرد؟

ترکیب نیروها در حاکمیت اکنون چگونه است؟

۱- نیروهای راست

این نیروها عمدتاً در سازمان حجتیه متمرکز شده‌اند. آنها در اوایل انقلاب و تا بعد از عزل بنی‌صدر هنوز نیروی یک دستی را تشکیل نمی‌دادند. به ویژه در جریان و پس از برکناری بنی‌صدر از ریاست جمهوری، و با تحکیم هر روز بیشتر مواضع "ترویسست‌های اقتصادی"، که سرمایه تجاری تازه بدوین رسیده به بازار را تشکیل می‌داد، زمینه تحکیم مواضع راستگرایان و ضد انقلاب و یک دست تر شدن صف آنها و اهداف روز آنها، آماده تر شد. این نیروها توانستند با به کار بردن شانناژ ضد کمونیستی و با استفاده از تجارب رژیم شاه در این زمینه و همچنین با سوء استفاده از جنگ تحمیلی به عنوان وسیله کمکی برای غارتگری اقتصادی خود از یک سو و به گمراهی کردن عناصر واقع بین در حاکمیت از سوی دیگر و بالاخره با برخورداری از کمک‌های پوشیده و علنی، مستقیم و غیر مستقیم ضد انقلاب و امپریالیسم، به ویژه توطئه‌های براندازی و ترور شخصیت‌های ضد امپریالیست و ضد سرمایه‌داری، مواضع خود را در تمام نهادها و ارگانهای انقلابی تحکیم کنند آنها توانستند یا عناصر خود را بر سر مواضع خالصی شده قرار دهند، و یا "منش‌کاخ نشینی" را به عناصر متزلزل تزریق کنند، آنها را "مغز شوخی" کنند و به خدمت خود و اهداف خود در آورند. اکنون می‌توان از این صحبت کرد، که این نیروها در حاکمیت نقش تعیین کننده‌ای را ایفا می‌کنند و مواضع کلیدی را در اختیار گرفته‌اند.

۲- "خط" مقابل راستگرایان

این نیروهای مسلمان مبارز، که زمانی به دو گروه بزرگ واقع بین و روشن بین تقسیم می‌شدند، در روند دو سال اخیر مواضع وسیع و تعیین کننده‌ای را از دست داده‌اند. نظریات آنها که طیفی را تشکیل می‌داد، اکنون بشدت پراکنده شده و هنوز نوع "یک دستی" را از دست داده است. لذا صحبت از یک "خط" را باید

کوششی برای تفهیم تغییرات ایجاد شده فهمید. ویژگی‌های این "خط"

ویژگی‌هایی که می‌توان اکنون برای این "خط" ترسیم کرد عبارتند از:

اول - بی برنامه‌گی و عدول از اهداف اولیه این نیروها و عناصر، امید خود را از دست داده‌اند، که بتوانند اهداف اولیه‌ای را که دنبال می‌کردند، تحقق بخشند و عدالت اجتماعی را به نفع زحمتکشان تأمین سازند. این نیروها، که در دورانی قادر بودند قانون اصلاحات ارضی را از شورای نگهبان بگذرانند، که با اجرای آن بزرگ زمین داری، فئودالی و خان بازی پایان می‌یافت، این نیروها که در دورانی از جمله اصل ۴۰۴ - اقا - نون اساسی را در مجلس خبرگان تصویب کردند، که شورا‌های کارگری را به عنوان شکل اعمال حاکمیت خلق، تثبیت می‌کرد، و یا اصول بخش سوم قانون اساسی در مورد "حقوق ملت" را در قانون اساسی کنجاندند، این نیروها که مدافع استقرار بخش دولتی اقتصاد به عنوان بخش عمده و تعیین کننده اقتصاد بودند و آنرا در اصل ۴۹ قانون اساسی تثبیت کردند، اکنون امید خود را به طور کامل از دست داده‌اند، که بتوانند دیگر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را، که خود در مجلس خبرگان تدوین کردند و انطباق آنرا با "موازین شرعی" تأکید کردند، در عمل پیاده کنند و به مورد اجرا در آورند. آنها امید خود را برای تحقق قانون اساسی از دست داده‌اند و با آن، "روح مرد می" قانون اساسی و نص صریح آن را به فراموشی سپردند!

علت آن که این نیروها امید خود را از دست دادند، که بتوانند اهداف اولیه خود را تحقق بخشند، از جمله آن بود، که در راه "چگونگی" طی کردن راه رسیدن به این اهداف دچار سردرگمی بودند. آنها قادر نشدند از تجارب انقلابات پیروزمند ضد امپریالیستی و آزاد بخش بهره جویند و در انطباق آن تجارب قانونمندی - های کلی با ویژگی‌های انقلاب ما راه تعمیق و پیروزی نهایی انقلاب را هموار سازند. آنها زیر فشار شانناژ ضد کمونیستی و ضد شوروی کمر خم کردند و به جستجوی "راه سومی" پرداختند که وجود خارجی ندارد! "راهی" که جستجوی آن خود کسوف راه است.

دوم - ویژگی دیگر این نیروها عبارتست از آن که آنها دیگر از یک "یک دستی" تقریبی نیز برخوردار نیستند. طیفی که نظریات و اهداف آنها را تشکیل می‌داد، اکنون بشدت وسیع‌تر و پراکنده تر شده است. این پراکندگی عمدتاً در جهت "راست" توسعه یافته است. اما تردیدی نیز وجود ندارد، که بخش دیگری مسلمانان مبارز می‌تواند از جریانهای جدید، از یورش

ویرانگرانه راستگرایان و تحکیم مواضع آنها، در رسبهای پرتاریبی مورد و به جوهر نبرد طبقاتی بیشتر واقف شود. باید به غلام این شناخت و آموزش توجه ویژه‌ای مبذول داشت.

ترکیب جریانها در این "خط" اکنون می‌توان این جریانها را در این "خط" باز یافت:

- تسلیم طلبان،

این نیروها و عناصر آن جریانی را تشکیل می‌دهند که نمایندگانشان اغلب جزو "تواین" سازمان حجتیه بوده‌اند. بخش "صادق" آن در جریان طولانی مآشات و عقب نشینی در مقابل نیروهای راستگرا به مرز تسلیم آنها رسیده است و اکنون - برای حفظ موقعیت و مقام خود و یا حتی حفظ جان خود - به پرچمدار راستگرایان و اهداف آنها تبدیل شده است. این عناصر شاید دیگر از توبه خود نیز پشیمان شده باشند، و از آنجا که می‌دانند، که راستگرایان این توبه را به آنها نخواهند بخشید، در سینه چاک کردن برای آنها و اهداف آنها در هر صحنی، از سخنان قلبی خود، گوی سبقت را می‌ریزند.

- مآشاتگران،

این نیروها، که تاکنون با مآشات و عقب نشینی - های خود خدمات جدی به انقلاب وارد ساخته - اند، هنوز در این گمراهی خطرناک و کشنده باقی هستند، که می‌توانند از این طریق "چیزی" از انقلاب را نجات دهند! آنها غافل از آنند، که ادامه این روش آنها را هر روز بیشتر در سراسیمه تسلیم طلبی سوق خواهد داد و اگر بخود ایستند، همد زمانی خواهد رسید، که چشم باز کنند و خود را در دامن راستگرایان، ارتجاع و ضد انقلاب ببینند. این سراسیمه تندی است، که در راه آن فقط خس و خاشاک می‌روید. خس و خاشاک که توان حفظ سقوط کننده را ندارد!

- جریان دیگر را نیروهای صادق انقلابی و مبارزی تشکیل می‌دهند، که اگر به تنها راه، راه پیگیر انقلابی و قاطع و روشن بینی، قدم بگذارد، نیروی رشد یابنده‌ای خواهد بود، که می‌تواند با یافتن متحدین واقعی داخلی و خارجی انقلاب، با کمک برای ایجاد جبهه متحد خلق و به کمک توان انقلابی پایدار زحمتکشان، انقلاب را نجات دهد و از سقوط ننگین آن به دامن ضد انقلاب جلوگیری کند.

ما دست دوستی و هم پیمانی صادقانه‌ای را، که همیشه بسوی این نیروها دراز کرده بودیم، باز هم استوار و بدون ناروشنی بسویشان دراز می‌کنیم و از آنها می‌طلبیم، برای نجات انقلاب آنرا بفشارند و جبهه متحد خلق را با حزب ما، حزب مدافعان پیگیر اهداف ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب، تشکیل دهند. این است تنها راه نجات انقلاب.

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

نباید گذاشت اسرار این جنایت...

بقیه از صفحه ۵

عادی و " داوطلب " آزمایش کرده اند. البته جای تعجبی نیست: در این کشور در سال ۱۹۸۱ ماعی از نوزده هزار مبتلا به اسکیزوفرنسی (Schizophrenie) را به ده نفر " داوطلب " محکوم حبس ابد در ازای آزادی آنها تزیق کردند که ۳ تن از آنها باین بیماری مبتلا گشتند!!

گزارش دیگری درباره نحوه به کاربردن داروهای مکمل شکنجه روانی و جسمی، که توسط یک پزشک متخصص دیگر در اختیار " راه توده " قرار گرفته است:

در دهه های اخیر برای سرکوب و منفعلس کردن افراد آزادپخواه و مترقی در آمریکا از روش روانپزشکی و روان دارویی استفاده شده است، برخلاف شکنجه جسمی، که انسانها در مقابل آن قادر به مقاومت تا پای شهادت اند. بطور مثال افسران توده های با ۲۵ سال شکنجه در زندانهای شاه بدون کوچکترین خللی در ایمان به عقیده شان، یا رفقای شهید روزبه، حکمت جو، تیرابی، گل سرخی، دانشیان و دیگر میهن پرستان زمان شاه را میتوان نام برد و یا معالجه درد های جسمی مقاوم در مقابل مسکن های قوی مانند مرفین را با دوره های ۶ ماهه تا یکساله با روش تکرکز فکر میتوان تنکین ذات را نام برد. پس از نظر پزشکی انسان قادر به فائق آمدن بر درد ها از جمله شکنجه جسمانی میباشد، در نتیجه ابتدا در آمریکا از داروهای هیپنوتیک کننده (Hypnotic Pharmacy) استفاده میشود که تولید خواب مصنوعی با از دست دادن اراده را موجب میشوند. مثال ساده آن داروهای بیهوشی در جراحی است که تزیق آن بیمار را بدون کوچکترین مقاومت و اراده ای با خود پسه حالت اغما میبرد، در روش اجبار به اقرار

کذب و ناخواسته که به مراتب وحشیانه تر و غیر انسانی تر است. مکانیزم این روش به این صورت است که محکوم را بعدت یک هفته تا ده روز زیر شدید ترین شکنجه های جسمی و شوک های شدید الکتریکی قرار میدهند و با اصطلاح پزشکی بدن را آماده و مستعد پذیرش میکنند. همزمان با شروع شکنجه جسمانی، دست به تزیق این نوع داروها که مهمترین آنها از خانواده باربیتورات Barbiturate و از خانواده مغیر باربیتورات مانند Glutetamide و Diclofenazone و غیره میباشند. با استفاده از مقدار زیاد آن در چندین نوبت و بعدت چند روز این اثرات در محکوم بوجود میاید که مهمترین آنها عبارتند از:

- ۱- کاهش شدید هوشیاری
- ۲- از بین بردن کامل عملکرد فکر و هوش
- ۳- از دست دادن کامل Autocontrol بطوری که بیمار از خود کوچکترین کنترلسی بر حرکات، رفتار و تفکر خود ندارد.
- ۴- از بین بردن قدرت قضاوت و انتقاد و قدرت تشخیص نسبت به اشیا خارج از فکر خود.
- ۵- عدم شناخت نزد یکترین افراد خانواده مانند زن، بچه، مادر و غیره.
- ۶- اعتیاد جسمی و روحی که با ترسیدن دارو به بیمار، تولید طیش قلب استفرغ، اضطراب، درد های شکمی و عضلانی و تکانه های شدید عضلانی، حالتی شبیه به محتادین هروئین، ولی مهمترین اثر داروهای هیپنوتیک کننده بعد از تزیق مقدار زیاد برای مدتی در بیمار یا محکو ولید پسیکوزی مسمومی یا جنون مسمومی (Toxicity Psychosis) است که تولید شرایطی شبیه به اسکیزوفرنسی (فروپاشی روان) معروف به Depersonalization یا خورد شدن و احساس از بین رفتن کامل شخصیت روانی، فکری و وجود است. مسموم Depersonalized با احساس شخصیت فرو پاشیده، خود را در مرکز دنیا

می بینند و انگار تنها موجود این کره است. مسموم روانی خود را شقی ای از دنیا خارج میدانند بدون کوچکترین قدرت فکری، اراده، دفاع و عکس العمل، کاملاً بمانند شیئی جامد با تسلط کامل دنیا بر روح و جسم وی. بیمار مسموم شده هیچگونه احساس وجودی برای خود ندارد چون خود را در این دنیا تنها موجود میدانند بنابراین تمام بار سنگین فشارها، اثرات و دستورات برگردانده است، و او مجبور به تحمل آنها بدون اراده و دفاع است، و او خود را موظف به اجرای دستورات و اثرات وارد از خارج میدانند. مجموعه این علائم را اصطلاحاً روانپزشکی Xenopatic Syndrome (بیماری احساس فشار، تحمیل و اثر دستورات وارده از خارج موظف به اجرای آن) معروف است. البته اثرات مخرب بسیار دیگر هم بر روی تفکر، تعقل و روان دارد که خارج از وقت نامسه است.

این روش را میتوان پیشرفته ترین، کامل ترین و موثر ترین نوع شستشوی مغزی نام برد. آمار آزمایشات انجام شده حتی یک نمونه مقاومت در مقابل این روش را نشان نمیدهد. وقت شود که وزیر کشور و دادستان کل انقلاب آنقدر به عملکرد این سیستم اطمینان داشتند که بلافاصله فردای روز دستگیری رفقا، در مصاحبه های خود اعلام کردند، که همه افراد دستگیر شده " حزب توده " ایران به " جاسوس " بودن خود اعتراف کرده اند! (البته بدون انجام بازجویی، یا داشتن مدارک کتبی). طبق تحقیقات و انتشارات سازمان حقوق بشر، این روش بصورت متد اول در کشورهای فاشیستی آمریکای جنوبی و مرکزی و بخصوص در آفریقای جنوبی و اسرائیل بر علیه مخالفین بکسار برده میشود. در این خصوص باید گفت که اسرائیل جزو نادر کشورهای صادر کننده متخصص این روش مسمومیت روانی است. در سالهای آخر دوره شاه مسموم، این روش اجبار و تلقین به اعتراف کذب و ناخواسته، از طریق کارشناسان شکنجه اسرائیل، وارد ایران می شد.

محافل بین المللی و افکار عمومی جهانی نمایش شوم علیه حزب توده ایران را محکوم می کنند

بقیه از صفحه ۱۰

شکنجه و فشار علیه مبارزین در بند توده های گردپنه و آزادی فوری آنان را خواستار گردیده اند. هواداران این حزب و سازمان دانشجویان کورد عراقی تا کون صد ها نامه بمنظور ابراز انزجار از این اعمال، به مقامات مسئول و سفارت ایران ارسال داشته اند.

نمایندگان حزب کمونیست بولیوی در سوئد، طی ارسال تلگرامی به دفتر امام در تهران، نسبت به بازداشت غیرقانونی رهبران و اعضا حزب توده ایران و اعمال روشهای غیر انسانی نسبت به این زندانیان شدید اعتراض نموده و خواستار آزادی فوری آنان گردیده اند.

روزنامه " فلامان " ارگان حزب کمونیست کارگری سوئد طی درج مقاله ای درباره دستگیری و شکنجه رفقای حزب توده، ایران، خوانندگان خود و افکار عمومی سوئد را به ارسال نامه های اعتراضی در این رابطه به مقامات مسئول ایران، دعوت نموده است.

در جلسه همبستگی با خلق کامپوچیا در ششم ماه مه، از طرف کمیته همبستگی با کورهلی هند و چین، بیانیه ای در مورد اعتراض و شکنجه و آزار ورد " اعترافات " رهبران حزب توده، ایران قرائت گردید که مورد تأیید حاضرین قرار گرفت.

موج اعتراض و تظاهرات در یونان ادامه دارد

در تظاهراتی که ۵ سازمان منطقه ای حزب

کمونیست در آتن در جلوی سفارت جمهوری اسلامی ایران بر پا کردند، صد ها تن شرکت داشتند. سفارت ایران از پذیرفتن اعتراض نامه تظاهر کنندگان خودداری نمود.

۲۲ سند یکای کارگری در یونان قطعنامه ای امضا کرده و در آن آزادی فوری رهبران و اعضا حزب توده، ایران را خواستار شدند.

اتحادیه کارگران سالیونیک نیز اعتراض نامه ای بهمین مضمون برای سفارت ایران فرستاده است. اتحادیه پزشکان آتن، در نامه ای که کتیباً به سفارت ایران ارسال داشته، عدم شرکت خود در سمینار پزشکی را که در پایتیز اسسال در تهران برگزار خواهد شد، با اطلاع مقامات دولتی ایران رسانیده است. علت عدم شرکت، پایمال شدن عدالت اجتماعی و سرکوب احزاب در ایران ذکر شده است.



رژیم پینوشه میلرزد

رژیم فاشیستی پینوشه که ده سال از قدرت رسیده نش میگذرد، تظاهرات مردم این کشور در "روز اعتراض ملی" را با بکارگیری تمام وسائل سرکوب، به خون کشید. صدها هزار نفر که به فراخوان احزاب و جمعیت‌های مترقی کشور به خاطر اعتراض به دیکتاتوری و اختناق در کشور دسراسر کشور گرد هم آمده بودند، جابایی جز چساق و گلوله دریافت نکردند. صدها نفر بر اثر حمله وحشیانه پلیس تجلیم دیده توسط آمریکا کشته شدند و جوان مبارز جان باختند. سندی‌های کارگری کشور مردم را به اغتصاب و نبرد اخراجی به هیچ کاری، جز شرکت در اجتماعات اعتراضی دعوت کرده بودند. حتی مدارس نیز، کار تدریس را در این روز تعطیل کردند. کارگران، خصوصاً در مناطق معادن مس، علی‌رغم تجمع شدید نیروهای سرکوبگر و استفاده از تانک و گاز اشک آور و غیره، خواست خود مبنی بر بازگشت مناسبات دمکراتیک را بدون تزلزل ابراز داشتند. ادارات، وسایط نقلیه عمومی در اکثر شهرهای بزرگ نیز کار خود را تعطیل کردند. اعتراضات هفته گذشته در شیلی، نشاندهنده رشد روز افزون جنبش علیه دیکتاتوری پینوشه است که بدنبال کودتای آمریکایی علیه دولت خلقی دکتر سالوادور آلینده به قدرت رسید.

نتیجه مسافرت شولتز

قرار دادی را که تحت فشار سبکین آمریکا، میان اسرائیل و لبنان در هفته گذشته منعقد شده نمیتوان چیز دیگری جز ادامه سیاست تجار و کارانه اسرائیل علیه لبنان خواند. دولت لبنان بر سر دوراهی قرار داده شده

هر دو به تن دادن به سلطه اسرائیل و نهایتاً آمریکا بر این کشور عربی منتهی میشود. یکی قبول ادامه اشغال بخش بزرگی از کشور توسط اسرائیل و دیگری سپردن حق کنترل و نظارت در مرز بیسپه پهنای ۴۵ کیلومتر به اسرائیل. آمریکا و اسرائیل لبنان را واداشتند که با محدود ساختن نیروهای نظامی خود موافقت کند، بدین ترتیب دست‌های دولت لبنان بطور مطلق بسته خواهد شد و اسرائیل امکان این را خواهد یافت که هر طور که باب میلش باشد در لبنان حکمروایی کند.

اما از طرف دیگر نیروهای مترقی منطقه و لبنان نیز ساکت ننشستند. سازمان آزاد پیخس فلسطین، این موافقت‌ها را که تحت نفوذ آمریکا انجام گرفتند شدیداً رد کرده است. سوریه اعلام کرده است که این موافقت‌ها به لبنان تحمیل شده و به دنیای عرب زبان‌های جدی میرساند.

حزب کمونیست اسرائیل نیز این موافقت‌ها را مردود اعلام کرده و دولت اسرائیل را فراخواند است تا بدون قید و شرط نیروهای خود را از لبنان و همچنین از سرزمینهای اشغالی سال ۱۹۶۷ اعراب خارج ساخته و حق خلق عرب فلسطین برای ایجاد دولت مستقل فلسطینی را به رسمیت بشناسد.

برزیل

حزب کمونیست برزیل کارزار وسیعی را در سراسر کشور برای اعاده قانونیت حزب آغاز کرده است. حزب کمونیست برزیل تمام مردم این کشور را فراخوانده است تا همراه حزب برای تسبب اجازت فعالیت قانونی به مبارزه برخیزند. حزب کمونیست برزیل اعلام کرده است که قانونیت بخشیدن به فعالیت حزب، سهم شایسته‌ای در تحکیم دموکراسی در کشور ادا خواهد کرد.

این کشور آمریکای جنوبی شاهد بحران عمیق اقتصادی است. میزان بیکاری در شهرهای بزرگ این کشور بسیار بالاست. تنها در شهر سانیا-تولوکه به داشتن محله‌های وسیع آلوده‌ها معروف است و جز شهرهای پر جمعیت برزیل است، قریب نیم میلیون نفر از حق داشتن کار محرومند. در ماههای اول سال جاری، نرخ تورم، رقم

۴۰ درصد را نشان میدهد. اقتصاد دانان برزیل پیش‌بینی کرده‌اند که این رقم تا پایان سال جاری به مرز ۱۰۰ درصد خواهد رسید. برزیل ۸۵ میلیارد دلار به بانکهای آمریکایی و اروپای غربی مقروض است.

مقتولین "سیایی"

چنانکه روزنامه آمریکایی "نیویورک تایمز" نوشته است در انفجار سفارت آمریکا در بیروت که چند هفته پیش بوقوع پیوست، تعدادی از جاسوسان "سیا" نیز به قتل رسیدند. طبق نوشته این روزنامه این انفجار زمانی انجام گرفت که مأموران "سیا" در حال مذاکره با ارباب‌باز، رئیس بخش خاور نزدیک و آسیای جنوبی سازمان "سیا" بودند. این نیز در این انفجار کشته شده است. چنانکه از گزارشات گوناگون بر میآید هیچکس مایل نیست تعداد واقعی تلفات و نام آنها را اعلام کند. طبق نظر روزنامه "انترناشنال هرالد تریبون" آمریکا بدین علت از ذکر نام مأموران کشته شده "سیا" خودداری میکنند که اکثر آنها به عنوان دیپلمات ویا وابستگان اقتصادی و غیره سفارتخانه آمریکا فعالیت داشتند و ذکر نام آنها، بسیاری از اسرار پنهانی آنها را خصوصاً روابطشان را بر ملا خواهد ساخت. مرکز "سیا" در لانگلی آمریکا، اطلاع داده است که در انفجار ساختمان سفارت آمریکا در بیروت، تعداد بیشتری از مأموران "سیا" در مقایسه با تمام دوران جنگ ویتنام، کشته شدند.

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

رفقای هوادار حزب توده ایران در هایدلبرگ هزینه چاپ این شماره "راه توده" را تأمین کردند

علی و فرنگیس از آلمان فدرال ۱۰۰۰ مارک آنتون ، ۲۰۰ مارک

RAHE TUDEH
No. 42
Friday, 20 May 83

Winfried Schwarz
Address: **Markgrafenstr. 13**
6000 Frankfurt 90

Price:	England 30 P.
West-Germany	Belgium 22 Fr.
1 DM	Italy 600 L.
Franco 3 Fr.	U.S.A. 40 Cts
Austria 8 Sch.	Sweden 3 Skr.

روزنامه مورنینگ استاز رهبران ایران به سرکوب روی می آورند

ورده اعلام داشته است. کمیته مرکزی حزب توده ایران خواستار اعزام یک هیئت از ناظران بی طرف بین المللی، شامل حقوق دانان و پزشکان، به منظور افشا شیبوه های شکنجه جسمی و روحی، به آنها تیکه به زندان افکنده شده اند، شده است.

اکنون در مقابل اتفاقات آینده در ایران، کارگران این کشور در یک محک آزمایش قرار دارند. جنبش کارگری در ایران در مقایسه با بریتانیا ضعیف است.

برای انقلاب ایران فرصت زیادی نمانده است. دفاع از حزب توده ایران به نحو آویسی، دفاع از انقلاب ایران و همچنین

دفاع از مبارزه جهانی برای صلح و تفاهم بین المللی است.

امپریالیسم بریتانیا همواره عمیقاً در تاریخ ایران دخیل بوده است. مخصوصاً از طریق دخالت های شرکت نفت بی. پی. (بریتیش پترولیوم)، نقش بریتانیا برای ده ها سال پشتیبانی از شاه دیکتاتور، نقشی مهم و قطعی بود.

جنبش کارگری بریتانیا اینک مسئولیت سنگینی برای ارائه همبستگی خود به انقلاب ایران و پیوسته به حزب توده ایران، که پیگیرانه در مبارزه علیه ارتجاع در ایران پیشتاز بوده است، بعهده دارد.